

۵۹۳

مستقلی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۰ - ۳۰ آوریل ۲۰۲۱

اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت اول مه

کارگران باید ابتکار

عمل سیاسی

را بدست گیرند!

به حکم وضعیت برده واری که به ما طبقه کارگر در سطح جهان تحمیل شده است، سرمایه داری جوابگوی نیازهای بشر امروز نیست. لذا امروز انقلابات کارگری علیه حکومتها و نظم سرمایه داری از هر زمان ضروری تر است و لازم است که رهبران طبقه کارگر در هر کشور ابتکار عمل سیاسی را در مقیاس جامعه برای تغییر رادیکال به نفع خود در دست بگیرند. دولت‌های سرمایه داری با اعمال زور و با پشتوانه پارلمانها و رسانه ها و دستگاه مذهب، هر روز به گوشه ای از دستاوردها و زندگی طبقه کارگر حمله می کنند. تنها در پاندمی کرونا باندازه یک جنگ جهانی مهیب کشته دادیم، تا اوائل آوریل قریب سه میلیون نفر! وجود جوامع فقرزده و بیکاری انبوه در دهه سوم قرن بیست و یکم، آنهم در عصر انقلابات انفورماتیک و تکنولوژیک و در اوج توانائی انسان کارکن برای تولید نیازهای بشر، محصول منفعت زمینی نظم وارونه سرمایه در همین عصر مدرن است. همه دولت‌های حاکم در جهان حافظ و مُجری این مناسبات وارونه

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

در گرامیداشت اول مه!

سخنی با کارگران

صفحه ۳

رحمان حسین زاده

ویروس کرونا دیوار شنی رهبران پوپولیست و مذهبی را درهم کوبید!

صفحه ۴

جمال کمانگر

"نه یعنی نه!"

قربانیان خشونت جنسی باید سخن بگویند!

صفحه ۵

ملکه عزتی

ظریف در بغداد و اربیل

نفس های آخر دولت روحانی

صفحه ۷

همایون گدازگر

یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر،

بسوی یک انقلاب کارگری!

صفحه ۹

نادر شریفی

اول مه روز اتحاد مبارزاتی طبقه کارگر

صفحه ۱۰

سعید یگانه

یادداشت ها،

"حاکمیت دوگانه"؟

سیاوش دانشور

تعارض اسلام با رقص و شادی

در حاشیه رقص دو جوان در سلیمانیه

سعید آرمان

قحط "الرجال"

سیوان کریمی

در محکومیت حملات ارتش ترکیه به منطقه

قنديل كردستان عراق

قطعنامه های

اول مه روز جهانی کارگر

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت اول مه

کارگران باید ابتکار عمل سیاسی را بدست گیرند ...

و استنمارگر سرمایه داری هستند.

مناسبات مزدبده و مزدبگیر، اصل تولید با هدف کسب سود و انباشت سرمایه را بطرق انقلابی تغییر میدهیم. اگر بدست ما باشد، این دنیای وارونه را که برسر ایستاده است، روی پاهایش میگذاریم، در رفع تناقض انسان با طبیعت حرکت خواهیم کرد و جامعه و اجتماعی براساس هماهنگی انسان آزاد و نیروی خلاق با همونوع و کار و طبیعت برپا خواهیم کرد. برای اینکه بدست ما کارگران باشد، انقلاب ضروری است؛ انقلابی زیر و رو کننده با هدف سرنگونی سرمایه داری و اوضاع موجود هرآنطور که هست. در شرایط پاندمی کرونا، در هر گوشه جهان، دولت موظف به تامین لوازم زندگی مناسب و حقوق و دستمزد جوابگوی این نیازها، تامین رایگان درمان و بهداشت و واکسیناسیون است. اینها از خواستههای محوری اول مه در ایران و هر گوشه جهان است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اول مه روز جهانی کارگر را به طبقه کارگر جهانی، طبقه کارگر ایران و کمونیست ها و آزادیخواهان تبریک میگوید. اول مه روز اتحاد طبقاتی و جشن کارگران، روز اعلام عزم طبقه کارگر برای تغییر ریشه ای این نظام است. فراخوان ما اینست، هر جا که مقدر است و با رعایت پروتکل های بهداشتی، اول مه را با برگزاری اجتماعات گرامی بداریم. در سخنرانی ها و قطعنامه ها و مانیفست های اول مه، ادعانامه کارگری علیه کاپیتالیسم و مصائب آن را اعلام و برای بیشترین اتحاد و همسرنوشتی طبقاتی بکوشیم.

ما می گوئیم ایجاد جامعه ای به دور از کار مزدی و استنمار فرد از فرد، به دور از مالکیت خصوصی بر ابزار کار و تولید، به دور از فقر و بیکاری و زشتی های امروز جامعه سرمایه داری، ممکن است. سرمایه داری جوابگو نیست، دنیای دیگری ممکن است؛ حکومت کارگری، یک نظام شورائی سوسیالیستی! در روز اول مه بر اتحاد طبقاتی، بر ضرورت، مطلوبیت و مبرمیت آلترناتیو کارگری پای میفشاریم.

کارگران تنها یک راه مطلوب پیش رو دارند؛ انقلاب کارگری!

مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۷ فروردین ۱۴۰۰ - ۶ آوریل ۲۰۲۱



در بحران اقتصادی جهانی دولتهای سرمایه داری با سیاست حمایت مالی از سرمایه داران و اعمال ریاضت اقتصادی علیه کارگران جلو رفتند و در پاندمی کرونا این سیاست را با بیکارسازی و استنمار شدیدتر به اوج رساندند. تنها در یکسال، علیرغم ورشکستگی بخشی از سرمایه ها و بیکاری وسیع در مشاغل کوچک و خدماتی، شاخه های قدرتمندتر سرمایه سوپر سودهای نجومی انباشت کرده اند. میلیاردهای جهان طی یکسال پاندمی کرونا بعضا چند برابر و دو برابر بر ثروت شان افزوده اند و به همین تناسب سطح زندگی میلیاردها کارگر سقوط کرده است. بجای آنکه تحولات عظیم در رشد بارآوری کار به آزادی و برابری و رفاه ساکنین کره خاکی ترجمه شود، به اسارت و نابرابری بیشتر و فلاکت اقتصادی، به گیگ اکونومی، به بیکاری و ناامنی همیشگی شغلی و پرت شدن به ورطه گرسنگی معنی شده است. پاندمی کرونا تأثیرات ماندگار بر شرایط کار و زندگی کارگران خواهد داشت. از حالا معلوم است که سودآوری نجومی سرمایه داری بعد از کرونا را باید ما کارگران تامین کنیم.

اما این تنها راه و تنها مسیر ممکن نیست، پرولتاریا میتواند سد محکمی در مقابل تعرض سرمایه ببندد. این نظام وبال گردن بشریت کارگر شده و جوابگو نیست. این نظام امکانات و ثروت و دانش و تکنولوژی و نیروی خلاقه در اختیار دارد، اما همه دستاوردهای بشر را به کالا و تجارت و وسیله کسب سود بدل کرده است. بدون تردید و با رفع بیشتر محدودیت ها، کارگران در هر گوشه جهان علیه این اوضاع پبامیخیزند. طبقه کارگر برای پایان دادن به فقر و بیکاری و تبعیض، تنها باید بعنوان رهبر آزادی جامعه به میدان بیاید. تمام آنچه که بورژوازی ادعا میکند که نمیتواند بدهد و یا نمیخواهد بدهد، دولت انقلابی کارگری میتواند تامین و تضمین کند. کارگران بعنوان یک طبقه و یک جنبش عظیم با پرچم سوسیالیستی، میتوانند راه حل این اوضاع باشند، حاکمیت بورژوازی را ساقط کنند و قدرت را بدست گیرند.

اگر بدست ما کارگران باشد با امکانات و ثروت عظیمی که خود خالق آنیم، رفاه و آزادی و سعادت همگانی را تامین و تضمین میکنیم. اگر بدست ما کارگران باشد، با هزینه ای که صرف دستگاه عریض و طویل دولتها، پارلمانها، ارتشها و نیروهای سرکوبگر نظامی، نهادهای مذهبی و بورکراسی میشود، فقر و گرسنگی و بیکاری موجود را بسرعت پایان میدهیم. اگر بدست ما کارگران باشد، بنیاد تبعیض و نابرابری، نفس مالکیت خصوصی بر ابزار کار و تولید اجتماعی، نفس

مرگ بر جمهوری اسلامی!



تلخ نظم وارونه کنونی و اوج ضدیت کارکرد دولتهای سرمایه با انسان است.

ما کارگران و مردم در جهان یکبار دیگر دیدیم که این نظام ضد انسانی منشاء فقر و فلاکت و گرسنگی و بیکاری و عدم تامین معیشت و عدم تامین درمان و امکانات پزشکی در جهت تضمین سلامت شهروندان

و مانع مقابله موثر با ویروس کرونا است. سرمایه داری نظم استثمارگر و اسارتبار انسانها است که در روز جهانی کارگر بر پایان دادن به سیطره آن و سرنگونی این نظام وارونه و جهنمی تاکید میکنیم.

در ایران فقر و گرسنگی، بیکاری و بیماری، عدم تامین معیشت و سلامت عرصه زندگی را بر کارگران و اکثریت عظیم شهروندان جامعه تنگ کرده است. فاجعه کرونا نیز به این مصائب اضافه شده است. زندگی زیر خط فقر، ابتلای میلیونی به کرونا و مرگ و میر روزمره و نبودن امکانات پزشکی و درمانی و عدم دسترسی به واکسن، مساله عدم تامین معیشت و درمان و واکسن را اکنون به معضل اکثریت عظیم چند ده میلیونی کارگران و مردم ایران تبدیل کرده است. این در شرایطی است که حاکمیت و دولت پاسخگوی کمترین نیازهای معیشتی و سلامتی کارگران و مردم نیست.

در اول مه امسال ما کارگران در ادعانامه خود اعلام کنیم، این نظام شایسته بشر امروز نیست و نمیتواند جامعه را اداره کند و باید برود. ما کارگران که هر روز چرخهای جهان را بحرکت در میاوریم، خود نیز میتوانیم آنرا اداره و مدیریت کنیم. تلاش برای تحقق اداره شورایی و سوسیالیستی جامعه سرلوحه کار ما است.

در شرایط جامعه ایران، کارگران در ادعانامه خود، علیه گسترش فقر و گرسنگی و بیکاری و بیماری و فاجعه کرونا هشدار میدهند. با صدای بلند اعلام کنیم، دولت موظف است به فوریت تامین معیشت، سلامت و اکسیناسیون همگانی رایگان را برای همه شهروندان اجرا کند. دستمزد زیر خط فقر تعیین شده توسط دولت را قاطعانه رد و افزایش دستمزد تامین کننده زندگی شایسته خانواده کارگری را خواهیم. سرکوبگری و بازداشت و اذیت و آزار فعالین کارگری و اجتماعی قویا محکوم است و خواهان آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی هستیم. از مبارزات حق طلبانه بازنشستگان و معلمان و زنان و نسل جوان حمایت کنیم. بر همبستگی و همگامی جنبش کارگری با دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال پافشاری میکنیم. نهایتا از پرستاران، پزشکان، کارکنان بیمارستانها و بخش خدمات و درمان که در صف مقدم مبارزه با ویروس کرونا بوده و فداکاری و نوعدوستی انسانی را به نمایش گذاشتند، عمیقا قدردانی میکنیم.

زنده یاد اول مه

زنده باد همبستگی جهانی کارگران

در گرامیداشت اول مه!

سخنی با کارگران

رحمان حسین زاده

فردا اول مه، روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر، روز جهانی کارگر است. این روز را به طبقه کارگر جهانی و به کارگران در ایران تبریک میگوییم.

اول مه، روز ابراز وجود جهانی همزمان و همگام طبقه کارگر است. کمتر روزی است که همانند روز کارگر بتوان دو دنیای متفاوت را از هم تشخیص داد. دنیایی متعلق به ما اکثریت عظیم انسان کارگر و مردم تحت ستم و دنیایی متعلق به اقلیت انگل استثمارگر سرمایه دار. رشد نجومی ثروت اقلیت سرمایه دار بر متن گسترش فقر اکثریت عظیم ما میلیونها انسان کارکن نه تنها در کشورهای فقر زده آسیا و آفریقا، در قلب پایتختهای کشورهای غربی و اروپای صنعتی و گسترش شکاف طبقاتی عمیق به عریانترین وجه مشخصه پایه ای دو دنیای متفاوت سرمایه داران و کارگران است.

سرمایه داری از یک طرف با تحمیل فقر گسترده زندگی اکثریت عظیم میلیاردها انسان کارکن و کارگران را در آستانه تباهی قرار داده و از طرف دیگر با تامین شرایط کسب ثروت نجومی اقلیت چند صد نفری ابر سرمایه داران حیات ننگین نظم ضد انسان کاپیتالیستی را تضمین میکند. تمامی دولتهای سرمایه داری حاکم در سراسر دنیا، نهاد کارگزار و حافظ منافع همین سرمایه داران و خود بخش انتگره موسسات کاپیتالیستی مستقیما ضد کارگر و ضد منافع اردوی بیشمار کار هستند. کشمکش روزمره و دایمی کارگران و اردوی کارپاسخی به مصائب گسترده و ناهنجاریهای عمیق ناشی از شکاف پایه ای فقر و ثروت تحمیل شده بر بشریت است.

در سال گذشته و جاری اپیدمی کرونا ابعاد فاجاع جاری را به سطح غیر قابل تحمل در سراسر جهان رسانده است. میلیونها انسان را به کام مرگ کشاند و در ابعاد دهها میلیونی به آن مبتلا شده و هنوز از صدمات آن رنج میبرند. اثرات فاجعه کرونا بر نان و جان و معیشت و سلامت انسان بی سابقه و تکان دهنده است. کرونا بیش از هر واقعه ای بدون نقاب و صریح ارجحیت سود و سودپرستی سرمایه داری را بر حیات انسان برملا کرد. ناآمدگی و ناتوانی دولتهای بزرگ و کوچک سرمایه داری، برای مقابله با ویروس کووید-۱۹ نه از سر بی امکاناتی و نداشتن دانش علمی و پزشکی، یا بی اطلاعی از راههای موثر مقابله با یک فاجعه طبیعی و پزشکی، بلکه از سرگردش سرمایه در حوزه های سودورزی نجومی به نفع انباشت سرمایه غیر از عرصه های پزشکی و تامین سلامت و معیشت و رفاه شایسته برای انسان است. هم اکنون تولید و توزیع واکسنهای کرونا به بیزنسهای بزرگ سود ورزی در میان قدرتهای بزرگ و دولتهای سرمایه تبدیل شده و به جای تعاون و همکاری در جهت سرعت عمل سریعتر و با کیفیت تر برای مقابله با ویروس کرونا، رقابت و مانع تراشی در مقابل واکسیناسیون سریع و همگانی به قیمت ادامه مرگ و میر انبوه انسانها جاری است. این حقیقت

جیب های ما خالیه! وضع شما عالیه!

ویروس کرونا دیوار شنی رهبران پوپولیست و

مذهبی را درهم کوبید!

جمال کمانگر

حدود ۱۶ ماه از پاندمی کرونا در جهان میگذرد. متأسفانه تاکنون بالغ بر سه میلیون نفر جانباخته اند و بیش از ۱۵۰ میلیون نفر مبتلا شده اند. اثرات این بیماری سالها بر مبتلایان باقی خواهد ماند. صدها میلیون نفر بیکار شده اند و فقر و فلاکت دامن جوامع بشری را گرفته است. رکود اقتصادی ناشی از پاندمی فراتر از دهه بیست قرن گذشته است. شیوه برخورد رهبران راست و پوپولیست به پاندمی کرونا تاکنون باعث کشته شدن صدها هزار نفر شده است. رهبرانی که با دهن کجی به علم و دانش به جنگ این دشمن نامرئی رفته اند.

ترامپ با سیاست انکار خطر ویروس کرونا، باعث مرگ دهها هزار نفر در آمریکا شد. خاویر بولسنارو در برزیل پا را فراتر از ترامپ در انکار و عدم کنترل ویروس گذاشت که نتیجه آن مرگ حدود ۳۰۰ هزار نفر در این کشور شده است. بدتر از همه "ناروندی مودی" رهبر حزب دست راستی و نخست وزیر هند است که هشدار دانشمندان مبنی بر سونامی کرونا در ماه ژانویه را نه تنها پشت گوش انداخت بلکه آنرا به سخره گرفت و مانند ترامپ و بولسنارو و دیگر رهبران راست و ضد علم کمپین های انتخاباتی را در بنگال غربی و با حضور دهها هزار نفر برگزار کرد. اجازه داد که مراسم مذهبی هندوها در رود کنگ به مدت چند هفته برگزار شود که نتیجه آن ابتلای روزانه بیش از سیصد هزار نفر و مرگ هزاران نفر است. هند به داروخانه جهان مشهور است و بزرگترین تولید کننده واکسن و دارو در جهان است اما سیاستهای پوپولیستی مودی و طمعکاری صاحبان کارخانه های واکسن سازی در بیشترین فروش، نظام بهداشت و درمان آن کشور را در آستانه فروپاشی قرار داده است و مردم در کوچه و خیابان جان می بازند.

بوریس جانسون نخست وزیر پوپولیست و راست انگلستان در ماه دسامبر ۲۰۲۰ در جلسه کابینه رگ گردنش باد کرده و اعلام کرده بود که "ترجیح میدهم که هزاران جنازه تلمبار شود تا لاک داون یا قرنطینه را اجرا کند." همین سیاست از ماه دسامبر ۲۰۲۰ تا ماه آوریل ۲۰۲۱ باعث مرگ بیش از ۸۰ هزار نفر شده است. مکزیک و آرژانتین و فلیپین و اندونزی هم وضعیت مناسبی ندارند. روسیه با توجه به اینکه واکسن موثر اسپوتنیک وی را ساخته است اما کماکان نتوانسته است این ویروس را در کشور خود کنترل کند و جان شهروندانش را فدای ثروت اندوزی شرکت دولتی سازنده واکسن کرده است.

رژیم اسلامی از همان اوایل شیوع این بیماری با سیاست پنهان کاری و دستکاری آمار و ارقام مرگ و میر و مبتلایان ناشی از کووید-۱۹ بی کفایتی و ضدیت خود را با سلامت و جان مردم نشان داده است. پناه بردن به "روغن بنفشه" و "شاش ستر" و عطر کدایی پیامبر و عدم

کنترل به موقع مرزها خود بانی اصلی گسترش ویروس کرونا در ایران شده است.

مقصر اصلی موج چهارم کرونا در ایران که روزانه طبق آمار خود رژیم بیش از ۴۵۰ نفر جانباخته و بیش از ۲۰ هزار مبتلای جدید کووید ۱۹ ثبت می شود، در

درجه اول شخص خامنه ای است که سال گذشته علیه سه واکسن موثر کرونا؛ فایزر، مدرنا و آسترازنکا فتوای احمقانه ای صادر کرد و ورود آنها را به ایران ممنوع کرد! و در درجه دوم دولت بی کفایت و تدارکاتچی روحانی و وزیر بی خاصیت بهداشت و درمان اش است. و سرانجام سکوت جامعه پزشکی و به اصطلاح روشنفکران و سلبریتی های نان به نرخ روز خور در مقابل فتوای خامنه ای علیه واکسن های موثر کرونا در بازار تسهیل کننده موج چهارم کرونا و مرگ و میر ناشی از آن است. سیاست پولی کردن واکسن کرونا سیاسی بغایت ضد انسانی و در هیچ کشوری در دنیا تاکنون اجراء نشده است. رژیم اسلامی خواب سر کیسه کردن و پر کردن خزانه اش از جیب مردم را دیده است.

اما در ۱۶ ماه گذشته کشورهایهایی بوده اند که توانسته اند سلامت و جان شهروندان را بر سود اندوزی ترجیح بدهند و با سیاست درست آزمایش و کنترل و ایزوله کردن چرخه انتقال و تکثیر ویروس را به حداقل برسانند. ویتنام با حدود ۱۰۰ میلیون نفر جمعیت تنها ۳۵ نفر کشته داده است. استرالیا، نیوزلند، تایوان، کره جنوبی، ژاپن، کوبا و حتی چین با جمعیت بالغ بر یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر نمونه های موفق در کنترل پاندمی کرونا بوده اند. اتحادیه اروپا ناتوان در تامین واکسن مورد نیاز ۲۷ کشور عضو بوده است به همین دلیل با موج دوم کرونا روبرو است.

ویروس کرونا نشان داد که هیچ نوع حکمرانی و رهبری مورد علاقه اش نیست! بلکه تنها دنبال تکثیر خود به قیمت جان انسانهاست! ویروس کرونا دیوار شنی رهبران پوپولیست و مذهبی را در چهار گوشه دنیا درهم کوبید. تجربه در این ۱۶ ماه نشان داده است که تنها راه موثر مقابله با این دشمن نامرئی، واکسناسیون رایگان و همگانی، رعایت فاصله اجتماعی، ماسک زدن، شستن دستها، دوری از مراسم های عروسی و عزا و مذهبی، تست و کنترل و ایزوله کردن چرخه تکثیر و نهایتا لاک داون یا قرنطینه با تامین معیشت همگانی است.*

1ST MAY

INTERNATIONAL
WORKER'S DAY



1
م
ای
گ
و
ی
م

ایجاد جامعه ای به دور از کار مزدی و استثمار فرد از فرد.

به دور از مالکیت خصوصی بر ابزار کار و تولید.

به دور از فقر و بیکاری و رشتخ های امروز جامعه سرمایه داری

"نه یعنی نه!"

قربانیان خشونت جنسی باید سخن بگویند!

ملکه عزتی



در میان میگذارند. اما سرنوشت همه آنهایی که در مترو، در اتوبوس، در محل کار و خانه و اتاق خواب و خیابان مورد تجاوز فیزیکی با متلک و نیشگون و نگاههای نفرت انگیز قرار میگیرند، چه خواهد بود و با چه شیوه ای بر این تابو فائق خواهند آمد، متأسفانه نامعلوم است.

تجاوز به مثابه یک رفتار شنیع و سلب اختیار و اراده از قربانیان آن، چه زن و چه مرد همه جا بعنوان یک پدیده زشت وجود دارد، اما آنچه که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و قوانین ارتجاعی برگرفته از مذهب اتفاق میفتد حاصل سالها سرکوب و اختناق و اشاعه فرهنگی بیمار، عقیمانده و ضد زن است که تا مغز استخوان پوسیده و ارتجاعی است. برسمیت نشناختن حق اختیار زن در یک رابطه بر تمایلات و انتخاب در همبستری و سکس، از دلایل تعدی مرد علیه زن در یک رابطه نابرابر و برتری زن بر مرد است و این بیحقوقی نتیجه ۴۰ سال حکومت اسلامی بر زندگی آحاد جامعه است.

اما در شرایط امروز جامعه و فضایی که حکومت تحت فشار هر روزه مردم معترض در خیابان و کارخانه قرار گرفته، زنان از کابوسی حرف میزنند که ۵ سال قبل حتی تصور اینکه بشود از آن حرف زد دور از انتظار بود! یادمان نرفته تا همین چند سال پیش زنانی که قربانی تجاوز بودند به جرم رابطه خارج از ازدواج سنگسار میشدند و آنهایی که در حین دفاع از خود ناخواسته و غیر عمد مرتکب قتل میشوند با تکیه بر قانون قصاص اعدام میشوند!

امروز اما کم و بیش گستردگی زن ستیزی و آپارتاید جنسی، چهره های حقیقی و حقوقی خود را در خارج از سیاستهای جاری حکومت هم پیدا کرده است. از هنرمند و سیاستمدار تا وکیل و وزیر در این صف حضور دارند. نمیشود منتظر سرنوشت جمهوری اسلامی و به دور انداختن قوانین زن ستیز این حکومت ماند و سکوت کرد. حرف زدن و تعرض به این سیستم فکری ضد زن یکی از راههای ممکن است، شکایت حتی با علم به اینکه بررسی نمیشود هم یک راه است اما مهمتر از همه اینها حرف زدن از این عمل زشت و مردسالارانه است که زن را جز مایملک خود میداند و "نه" گفتن را تعبیری از "ناز و نیاز" شرقی تلقی میکند. به موازات این دادخواهی و بلند کردن پرچم "نه یعنی نه"، مبارزه سازمان یافته برای تغییرات بنیادی در سنتها و قوانین نانوشته اجتماعی و لغو و شکستن قوانین جاری ضد زن هم لازم است در ابعاد وسیعتری سازمان داده شود. به چالش کشیدن علنی نگاه بیمارگونه به زنان و رابطه بین زن و مرد در حکومت آپارتاید جنسی یکی از وظایف و کارهای مهم فعالین آزادی و برابری زنان است.

در سایه وجود یک حاکمیت خشن و بیمار مذهبی است که هنوز هستند افرادی که بعد از سالها زندگی در کشورهای امریکایی و اروپایی کماکان از منظر و نگاهی مملو از مردسالاری و قیحانه میگویند این زنها زیبایی ظاهری خاصی هم ندارند! ظاهراً توقع این است که فقط زنانی با درجه ای از زیبایی ظاهری حق اعتراض به خشونت جنسی و فیزیکی را دارند، مزیت زیبایی ارفاق آنان برای اعتراض به تعرض جنسی است!

زنانی که به اشکال متفاوت مورد تعرض جنسی و کلامی و فیزیکی قرار گرفته اند این روزها لب به سخن گشوده و از تجربه تلخ تجاوز و پایمال شدن کرامت و ارزش های انسانی شان حرف میزنند. بسیاری از آنها دیگر نمیخواهند سکوت کنند. شکستن این سکوت تحت تاثیر "می تو" یا هر پروسه دیگری در نفس خود و برای پایان دادن به تابوی آبرو و حیثیت خانواده از جایگاه ویژه ای برخوردار است. حمایت و پشتیبانی از این زنان عاملی خواهد بود که بسیاری دیگر مهر سکوت را بشکنند و از آنچه که بر آنان رفته حرف بزنند تا سکوت در مقابل تعرض و تعدی روند نرمال جامعه نباشد و کرامت انسانی زنان به نفع آبروی بقیه اعضای خانواده زیر پا گذاشته نشود.

اگر متجاوز فردای بعد از تجاوز و خشونت رفتاری، با کراوات و کت و شلوار اتو کشیده به زندگی عادی و کار هر روزه خود برمیگردد، چرا آنکه که قربانی تجاوز است باید خود را مخفی کند و در جامعه حضور پیدا نکند؟

متجاوز اگر نقاش است به نقاشی ادامه میدهد، تابلو میفروشد، معامله میکند و پول پارو میکند. اگر نماینده مجلس است به جلسات طویل اسلامی باز میگردد. اگر خواننده و هنرمند است به سازمان دادن تورهای هنریش مشغول میشود و بطور واقع حتی تصور اینکه عمل خلافی انجام داده را هم ندارد. در مقابل زنان با تصویر این فاجعه و اجبار به لب فرو بستن هر روز با این کابوس زندگی کرده اند! مقایسه کنید میزان ترس زنان از قضاوت جامعه، وحشت از مقصر شناخته شدن، ترس از خشم خانواده و اطرافیان، همزمان احساس قدرت متجاوزین در دست درازی و تجاوز در سایه یک حکومت زن ستیز و در جامعه ای اسلام زده که ۴۰ سال است با تحمیل مردسالاری و آپارتاید جنسی زنان را در موقعیت فرو دست قرار داده و هویت زنان را در اتاق خواب و آشپزخانه تعریف کرده است.

در سایه حکومتی که بطور سازمان یافته بیش از چهار دهه تعرض به حقوق زن را رسمیت بخشیده "ایکون های" هنری با اسم رمز "ناز و نیاز" و تعبیر دلخواهی از تجاوز در فرهنگ شرق زده و اسلامی به خود اجازه میدهند "یک ساعت نفس کشیدن خود را برابر با شش ماه نفس کشیدن زنان قربانی تجاوز" برابر بدانند و راست راست در فضای مردانه جوامع هنری بچرخند! وکیل هم برای دفاع از عمل شنیع خود استخدام کنند و صد البته مدافعینی هم داشته باشند که سنگ آنها را به سینه بزنند و "استاد" خطابشان کنند!

به یمن امکانی که از طریق سوشیال میدیا فراهم شده زنانی که از سپر فرهنگ دست و پاگیر و سنتهای عهد عتیقی گذر کرده اند در مورد تجاوز و خشونت کلامی حرف میزنند و تجارب خودشان را با دیگران

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

"نه یعنی نه!"

قربانیان خشونت جنسی باید سخن بگویند ...

در محکومیت حملات ارتش ترکیه به

منطقه قندیل کردستان عراق

ارتش ترکیه از روز ۲۳ آوریل حملات جنایتکارانه ای را به منطقه قندیل در کردستان عراق، نقاطی که نیروهای پ.ک.ک در آنجا مستقر هستند را آغاز کرده است.

ترکیه طی این حملات گسترده که با هوایما و هلیکوپترهای جنگی و نیروی پیاده نظام صورت گرفته، ۹ کیلومتر دیگر از خاک کردستان عراق را اشغال و در سه نقطه جدید مستقر شده است. طبق اخبارمنتشر شده هم اکنون جنگ بشدت بین ارتش ترکیه و گریلاهای پ.ک.ک ادامه دارد. در این جنگ طبق روال همه جنگهای دیگر، مردم بی دفاع منطقه قربانی این جنگ و آتش افروزی میشوند. انسانهای بیگناهی که خانه و کاشانه شان مورد بمباران و اصابت توپ و خمپاره قرار میگیرد و نهایتاً آوارگی و بی سرپناهی سهم این مردم محروم و بی پناه است.

حمله ترکیه به نیروهای مستقر در قندیل همزمان است با تعیین مجدد جایزه دوازده میلیون دلاری دولت آمریکا برای شناسایی و پیداکردن محل استقرار سه تن از رهبران پ.ک.ک و مسلماً بدون چراغ سبز از طرف آمریکا این حملات و جنگ افروزی نیروهای نظامی ترکیه صورت نگرفته است.

آنچه در این میان قابل توجه است، سکوت دولت عراق و حکومت اقلیم کردستان و همچنین احزاب اسلامی در مقابل این تجاوزگری آشکار است. اما این تنها دولت عراق و حکومت اقلیم و احزاب اسلامی نیستند که ساکت و نظاره گرند، جریانات ناسیونالیست متشکل در "مرکز همکاری احزاب کردستان ایران" هم که در کردستان عراق مستقر هستند، تنها به دلیل رقابتهای حزبی و جناحی با پ.ک.ک، در مقابل این جنایت آشکار، سکوت کرده و هیچ اعتراضی از جانب آنان هم صورت نگرفته است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست این حمله جنایتکارانه ارتش ترکیه به کردستان عراق را محکوم میکند و از همه نیروهای ازادبخواه میخواند این تعرض و قلداری ارتش ترکیه را محکوم نمایند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست
۲۷ آوریل ۲۰۲۱

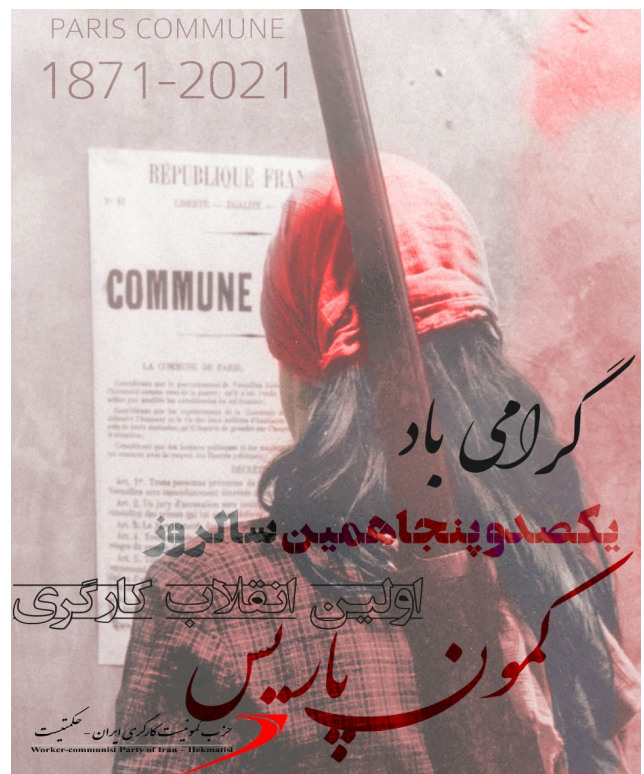
به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کمک مالی کنید!

کل این پروسه و این نگاه برتری طلبانه مبتنی بر جایگاه ویژه مردان حاصل حاکمیت سیستمی است که زن در جامعه اگر شهروند هم به حساب بیاید در بهترین حالت شهروند دست چنم و دارای حقوق اجتماعی و انسانی به مراتب کمتر و محدودتری نسبت به مردان است. طنز تلخ تاریخ اما این است که این نمایندگان حکومت اسلامی در سازمان ملل به کمیسیون حقوق زن راه پیدا میکنند و از اعضای آن رای اعتماد دریافت میکنند! تلاش سازمان ملل برای مطلوب جلوه دادن حکومت آپارتاید جنسی و قالب کردن این حکومت به جهان بعنوان اسلام قابل مذاکره و دیالوگ کثیف تر از عمل عاملین خشونت جنسی و زن آزاری است. سازمان ملل در دلالتی سیاسی و معامله گری در تعیین معادلات جهانی، حکومتی را لانس می کند که در کارنامه اش دفاع از متجاوز تا سنگسار و اسیدپاشی و سلب اختیار از زنان تنها اقلامی از بیحقوقی و پایمال کردن حق و موقعیت زنان است. شرم کمترین واژه برای رای دهنده گان در این پروسه و سیاست ناظر بر سازمان ملل است.

سرنگونی جمهوری اسلامی بعنوان بزرگترین عامل بیحقوقی اکثریت جامعه جواب دندان شکنی به نگاه مردسالارانه متجاوزین و همزمان به سازمان مللی است که با این حرکت در جهت بقا و تثبیت پایه های این سیستم نه فقط امسال بلکه سالهاست که تلاش میکند.

۲۹ آوریل



ظریف در بغداد و اربیل

نفس های آخر دولت روحانی

همایون گدازگر

هدف سفر وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی به عراق برخلاف ادعاهای بلندگوهای رژیم، ربطی به تقویت روابط بین دو کشور و اشتراکات فرهنگی و مناسبات تجاری و غیره ندارد. این سفر در شرایط پرتحول کنونی و بن بست های عدیده ای که جمهوری اسلامی در آن گرفتار آمده است، تلاشی برای نجات پروژهای شکست خورده و روحیه دادن به وابستگان مرتجع و تروریست جمهوری اسلامی در منطقه و درانتظار نگهداشتن آنها است. حتی اظهارات و افاضات ظریف و همراهانش در باب رایزنی با مقامات عراقی در مورد مسایل امنیتی و بازگرداندن امنیت به عراق و یکدست شدن قدرت و غیره، تنها پوششی ظاهری بر اهداف واقعی این سفر است.

جمهوری اسلامی با چالش های خرد کننده ای در درون خود و با جامعه روبروست. بازسازی و بازتعریف و یکدست کردن حاکمیت برای رژیمی که بیش از ۴۰ سال با سرکوب و زور سرپا مانده است امروز اجتناب ناپذیر بنظر میرسد. از طرفی فریب اصلاح طلبی و عمر خریدن برای جمهوری اسلامی دیگر کارایی خود را از دست داده است و از طرف دیگر کل حاکمیت جمهوری اسلامی از تمام جهات زیر سوال رفته است. بهم ریختگی و چند دستگی در بالای حکومت و بی اتوریته ای دولت و افلاس اقتصادی در کنار انزوای منطقه ای و بین المللی، دست جمهوری اسلامی را در دخالت در کشورهای منطقه و هزینه کردن برای گروه های مرتجع اسلامی و تروریستی با محدودیتهای جدی روبرو کرده است.

اما چالش اصلی که موجودیت جمهوری اسلامی را تهدید می کند، تنفر مردم از آن و رویارویی میلیونی در مقابل آن است. تهدیدی که امروز دیگر حتی دست اندرکاران و معماران اولیه جمهوری اسلامی آن را پنهان نمی کنند. ترس از این سونامی مرگ آور جمهوری اسلامی و رهبران آن را مجبور به نوشیدن جام زهر و مذاکره و بند و بست با آمریکا و غرب و محتاط در دخالتگریهای منطقه ای کرده است. با اینحال هنوز جمهوری اسلامی می خواهد با به رخ کشیدن نفوذ خود در عراق و به صف کردن دوباره حامیان مرتجع خود در منطقه مذاکرات برجام تاثیر بگذارد و نفوذ خود را برای آرام و نا آرام کردن منطقه بعنوان کارتی در این مذاکرات به رخ بکشد. همچنین هدف ظریف از سفر به عراق روحیه دادن به نیروهای سرکوبگر و جنایتکار وابسته به جمهوری اسلامی در عراق و انتظار گشایش مادی و مالی به آنهاست. نیروهایی که مانند خود جمهوری اسلامی از جانب مردم زحمتکش در عراق مورد تنفر و بانی ناامنی در جامعه به حساب می آیند. انتخابات پیش روی ریاست جمهوری و نفرت بی سابقه مردم از کل حاکمیت، سران رژیم را ب فکر معماری کردن فضایی کرده است که بتوانند از این برزخ هم سالم عبور کنند. ادامه مذاکره با غرب تا گفتگو با عربستان و سرکشی کردن به نیروهای وابسته در عراق توسط وزیر امور خارجه، همگی در خدمت رفع خطری است که از طرف جامعه

ایران موجودیت رژیم هار اسلامی را تهدید می کند.

بحث در مورد امنیت عراق که گویا وزیر امور خارجه ایران در مورد آن با مسئولین مربوطه عراقی به رایزنی پرداخته است، فقط می تواند مورد تمسخر مردم عراق قرار بگیرد. امروز در جامعه عراق نزد هر شهروندی نقش مخرب جمهوری اسلامی در ناامن کردن

محیط کار و زندگی جامعه جای هیچ شکی باقی نگذاشته است. دسته های حشد شعبی و باندهای تروریستی دیگر که جمهوری اسلامی آنها را بجان مردم انداخته است، خود یکی از صحنه گردانان تحمیل زندگی جهنمی به جامعه عراق هستند. ترور، کشتار و فشار باندهای سیاه مسلح حامیان جمهوری اسلامی از عاملین مهم ناامنی در عراق اند. اما در مقابل، صف مردم معترض و مخالفین حاکمیت قومی و مذهبی عراق، همواره مشت محکمی هم به دهان نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی کوبیده اند. فراتر از آن در مبارزات سالهای اخیر خود مستقیما به مصاف جمهوری اسلامی و دخالتگریهای ویرانگر آن رفته اند. سوزاندن پرچم و بنر و عکس رهبران جمهوری اسلامی و شعار علیه حضور رژیم جنایتکار اسلامی در عراق یک پای ثابت مبارزات توده ای در سالهای اخیر در شهرهای عراق بوده است. سوزاندن کنسولگری جمهوری اسلامی در بصره و مقرات آنها در نجف و چند جای دیگر نشانه تنفر عمیق از جمهوری اسلامی و عملکردش در عراق است. در نتیجه رایزنی و گفتگوی مورد ادعای وزیر امور خارجه رژیم اسلامی در مورد امنیت عراق، پوچ و برای پرده پوشی توطئه های پشت پرده مشترک با باندهای جنایتکار وابسته به جمهوری اسلامی در عراق مطرح می شوند.

وزیر امور خارجه رژیم اسلامی در اربیل

این یکی از اولی کمدی تر است. حاکمانی که سالهاست مثل عروسک در دست جمهوری اسلامی به اصطلاح سیاست می کنند، گویا در یک رایزنی دیپلماتیک با ارباب خود رابطه متقابل بعنوان دو همسایه برقرار کرده و "مذاکره" کرده اند. کسانی که اندک آشنایی با وضعیت کردستان عراق و حکومت اقلیم آن داشته باشند، بخوبی می دانند که رابطه این حاکمیت با جمهوری اسلامی هیچ ربطی به حسن همجواری و رابطه در چهارچوب دو کشور همسایه ندارد. حکومت اقلیم کردستان اساسا بخاطر ناتوانی و بی لیاقتی و فساد نهادینه شده و بی توجهی به نیازهای ابتدایی مردم، علیرغم وجود سالهای متمادی سرکوبگری ملی از طرف حکومت فاشیستی عراق، نتوانسته است در جامعه کردستان عراق ریشه بدواند. امروز پس از دو دهه حکومت، در برابر نارضایتی عمومی مردم زحمتکش کردستان عراق قرار دارند. این وضعیت موجب شده است که حاکمان حکومت اقلیم همواره با جواب سربالای حکومت قومی - مذهبی عراق روبرو شده و در منطقه بدنبال پشتیبان و تکیه گاهی باشند. رژیم های ایران و ترکیه با بهره گیری از این وضعیت طی نزدیک به سه دهه گذشته از حاکمیت احزاب کرد کردستان عراق که اختلافات مزمن بین آنها هم مزید بر علت شده است، از دولت اقلیم بعنوان پاره سنگ موازنه و تعادل قوا در رابطه با دسته بندیهای درون حکومت بغداد و یا کنترل اپوزیسیون خود در خاک کردستان عراق استفاده کرده اند.



یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر،

بسوی یک انقلاب کارگری!

نادر شریفی



خامنه ای چون خمینی و دیگر شیدان صنعت مذهب، امروز همچنان با براه اندازی مناسک ارتجاعی مذهبی و ملی و با عدم تعهدشان در مبارزه موثر با پاندمی کرونا نشان میدهند که برای جان مردم عموماً و کارگران ارزشی قائل نیستند. جمهوری اسلامی حداقل طی همین سالهای پرتلاطم نشان داده است که

برای حفظ نظام و حاکمیت سرمایه

حاضر است میلیونها انسان را بی خانمان، بیکار و حتی گورخواب و پشت بام خواب و خیابان خواب کند! این نظام در تخاصم کامل با زحمتکشان و کارگران نه تنها حاضر نیست در اوج پاندمی کرونا، یک حداقلی از نیازهای زندگی و معیشت برای میلیونها کارگر و زحمتکش را تامین کند، بلکه درست در جایی که روزانه صدها انسان جان خود را بخاطر ویروس کرونا از دست میدهند، بفرکر سوداندوزی بیشتر است! در هیچ کجای دنیا، هیچ حکومت سرمایه داری از شهروندان برای ارائه واکسن پول دریافت نمیکند ولی در جمهوری نکبت اسلامی آری! اگر در دوران باستان بردگان "ارزشی" داشتند و خرید و فروش می شدند، در دنیای سرمایه و در جوامع اسلام زده حتی جان بردگان بی ارزش است. جمهوری اسلامی و شخص خامنه ای از جمله مسئول کشتار بیش از صد هزار نفر در همین دوره کرونا هستند که بایستی روزی جوابگوی این جنایت جمعی آگاهانه باشند.

اما پس از دی ۹۶ و آبان ۹۸ طبقه کارگر ایران به همراه جامعه ایران جواب روشن خود را به نظام ضد کارگر داده است! طبقه کارگر ایران در صف اول مبارزات سرنگونی طلبانه نه قاطع خود را به کلیت نظام با خیزشهای توده ای و هزاران تظاهرات و اعتصاب اعلام کرده است. نه به حکومت سرمایه! نه به حمله به معیشت و زندگی! نه به سیاست ارباب و سرکوب! نه به مضحکه انتخاباتی! نه به سیاست کشتار دستجمعی به بهانه پاندمی کرونا! نه به سیاست بیکاری سازی! نه به شرکتیهای پیمانی و خصوصی سازی! نه به دستمزدهای شش برابر زیر فقر! نه به حکومت دزدان و اختلاسگران! و در مقابل اعلام کردند که خواهان سازمانهای مستقل کارگری و شوراهای و ادارات شورائی اند. خواهان آزادی فوری زندانیان سیاسی اند! خواهان قطع دست رانت خواران، آقازادگان و دزدان سرگردنه تحت "کار آفرینان و صاحبان صنایع" اند! خواهان آزادی و برابری و رفاه همگانی، برابری زن و مرد، رفع تبعیض و یک دنیای بهترند!

در سرآغاز روز جهانی کارگر در سال ۱۴۰۰ طبقه کارگر ایران صف طبقاتی خود را از تمامی جنبشهای ارتجاعی و واپسگرا جدا کرده است و این یک بخش از آمادگی برای بزیر کشیدن کل نظام سرمایه است. جنبش طبقه کارگر با هزینه های زیاد و قهرمانی زیاد به مهمترین حرکت جامعه بدل شده است. امروز با تند شدن کشمکش طبقاتی بار دیگر دریچه ای به روی کارگر و کمونیسست باز شده که میتواند با پایان دادن به عمر خونبار جمهوری اسلامی به یک قدرت کارگری منجر شود. امروز بیش از هر جای دیگر، شبی بالای سر خونخواران جمهوری اسلامی به پرواز در آمده است و "خواب خوش" را از چشم آنان ربوده است. این شبخ اسمش کمونیسست است و ستون فقراتش جنبش اجتماعی طبقه کارگر علیه سرمایه داری

چهل و دو سال پیش، خمینی این نماینده کپک زده جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی، کسی که حتی یک روز در تولید اجتماعی نقش مفیدی نداشته و اصلاً برای این به سر کار آورده شده بود که انقلاب مردمی ۵۷ را سرکوب و بخون بکشد و حکومت فاشیستی و ضد کارگری اسلامی را علیه ایده آل ها و اهداف انقلابی تحکیم کند، اعلام کرد که "هر روز روز کارگر است!" بنابراین روز جهانی کارگر بی معناست! این از گور برخاسته اعتصاب را حرام و غیر قانونی اعلام کرد. البته نه او و نه کلیت نظام ارتجاعی اسلامی و نه سرمایه داران هیچگاه ارزشی برای سازندگان واقعی جامعه قائل نبودند و نیستند. کار برای تجار صنعت مذهب، عملی است که دیگران انجام میدهند و کارگر کسی است که در خدمت سرمایه شبانه روز کار میکند. بورژوازی در عوض، کارگر و خانواده کارگری را در نهایت فقر و گرسنگی نگاه میدارد و کارگران را در جبهه های جنگ و رقابت با بخشهای دیگر بورژوازی به کشتن میدهد. این بورژوازی در ایران همواره از جیب کارگران به گله مفتخور و انگل آخوند امکانات میدهد تا وضع موجود را بعنوان "تقدیر الهی" توجیه کنند. در نظام اسلامی سرمایه، کارگر یعنی برده! بردگان خاموشی که اجازه ندارند سهمی و توقعی از این دنیا داشته باشند! باید تسلیم تصمیمات "خدای آسمانی" و نمایندگان زمینی آنان، یعنی همین شیدان مذهبی باشند. از نظر مذهب، کارگر در این دنیا باید در فقر و گرسنگی و بیماری و بی خانمانی بسر برد و شکرگزار باشد تا در آن دنیا پاداش بگیرد! مذهب یک صنعت است مانند دیگر صنایع، مذهب خرافه و تسلیم و عبودیت و نفرت تولید میکند تا نظم سرمایه برقرار باشد و سرمایه داران مرتباً بر سرمایه شان بیافزایند.

بنابراین بدیهی است که یازده اردیبهشت، روز جهانی کارگر که با اعتراض سراسری طبقه کارگر آمریکا که خواهان تقلیل روزکار به هشت ساعت و آنهم ۱۳۵ سال پیش بودند، با نظام ضد کارگر جمهوری اسلامی نمی تواند همخوانی داشته باشد! جمهوری اسلامی را نیاورده بودند که کار طاقت فرسا و بدون بیمه کارگر در نظام شاهنشاهی را لغو کند. جمهوری اسلامی را آورده بودند که کارگران پیشرو مبارز صنعت نفت و دیگر جای ایران را بنام "انقلاب اسلامی" سرکوب کند. ارتجاع اسلام را از لجنزار حوزه های جهلیه بیرون کشیدند تا یک انقلاب چپگرایانه را که کارگر در آن نقش تعیین کننده داشت، درهم بکوبند. جمهوری اسلامی را آوردند که سهم طبقه کارگر از تولید اجتماعی باز هم کمتر و کمتر شود! خمینی در سایه جنگ ارتجاعی، کمونیسست ها و رهبران و مبارزان طبقه کارگر و مخالفین سیاسی را یکی پس از دیگری اعدام و با آن صدای اعتراض به حاکمیت سرمایه را برای چندین نسل در ایران خاموش کرد. جمهوری اسلامی را آوردند تا خاکریزی در مقابل کمونیسست در معادلات دنیای آنروز بسازند.

ظریف در بغداد و اربیل

نفس های آخر دولت روحانی ...

یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر،

بسوی یک انقلاب کارگری ...

است. در اول مه، مقدم بر هر خواست دیگری ضروری است که کارگران برای بدست گرفتن قدرت خود را آماده کنند. جنبش رادیکال کارگری با پرچم سوسیالیستی میتواند و باید بمثابة راه حل این اوضاع قد علم کند. زنده باد روز جهانی کارگر!

۲۹ آوریل

مقامات اقلیم کردستان با وزیر امور خارجه كشوری در مورد امنیت و آسایش کردستان عراق صحبت می کنند که جای موشکهای نیابتی شلیک شده بوسیله همپیمانان جمهوری اسلامی در عراق به فرودگاه اربیل هنوز پاکسازی نشده است. با نمایندگان کشور همسایه ای در مورد امنیت مردم صحبت می کند که مکررا جاسوس و تروریست و خبرچین بسویشان روانه می کند. لشکر کشی جمهوری اسلامی و پیشروی چند ده کیلومتری در خاک کردستان عراق با هدف سرکوبی حاکمان امروز، هنوز در خاطره مردم کردستان عراق زنده است. به لیست طولانی این سرکوبگرها باید به ترور صدها نفر از فعالین اپوزیسیون جمهوری اسلامی با همکاری احزاب امروز در قدرت هم اشاره بشود. خلاصه هژمونی سیاسی و همه جانبه جمهوری اسلامی بر احزاب حاکم در کردستان عراق چنان سابقه روشنی دارد که قابل کتمان کردن نیست و در این رابطه می توان به لیست طولانی ای در مقاطع مختلف حیات حکومت اقلیم کردستان پرداخت که با فریب "رابطه دوستانه دوکشور همسایه" نمی توان آن را به خلیق فروخت.

و بالاخره در مقابل این دست درازی همه جانبه جمهوری اسلامی، احزاب حاکم در کردستان عراق و حکومت آنها رفتار دیگری در برابر این "همسایه مهم" خود داشته اند. کردستان عراق در این سالها عرصه تاخت و تاز جمهوری اسلامی بوده است. از محدود کردن اپوزیسیون جمهوری اسلامی و سکوت در مقابل توپ باران و موشک باران کردن آنها تا تحویل دادن زندانی اعدامی فراری از زندان جمهوری اسلامی، از برگزاری و شرکت در مراسمهای ارتجاعی از قبیل سالروز مرگ خمینی و اربعین و سینه زنی تا برگزاری مراسم روسری برسر کردن دختران، همگی از باز بودن دست جمهوری اسلامی در کردستان عراق حکایت دارد.

در خاتمه باید یاد آور شد طی دهه های گذشته که جمهوری اسلامی باتمام قدرت سرگرم سرکوب بیرحمانه جوانان و مردم کردستان ایران بوده است، حاکمان مدعی دفاع از حقوق مردم کردستان در اقلیم کردستان عراق در "رایزنی های دوستانه" بیشماری که با مقامات جمهوری اسلامی داشته اند، حتی یکبار به دستگیری، شکنجه و به دار آویختن جوانان در کردستان ایران، اعتراض که هیچ، حتی اشاره ای هم نکرده اند و نشان داده اند که وابستگی شان به رژیم سرکوبگر اسلامی مرزی نمی شناسد. در حالیکه اعتراض به جنایت کشتار کولبران از مرز کردستان و ایران هم گذشته است، این "دلسوزان" دروغین مردم کردستان در این مورد هم بنفعشان بوده است که سکوت اختیار کنند.

۲۹ آوریل ۲۰۲۱ - ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰

دولت را موظف کنیم...

- بیدرنگ شهرها و مناطقی بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای بهداشتی، اقتصادی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- خرید فوری و کافی واکسن های مورد تائید سازمان بهداشت جهانی. واکسیناسیون رایگان کلیه ساکنین کشور!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفتی با کاهش ساعات کار باشد!
- قوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکار سازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- کودکان کار، زباله گرد ها، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران لغو شود!
- کلیه بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی لغو شود!

مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر!

اول مه

روز اتحاد مبارزاتی طبقه کارگر

سعید یگانه

اول ماه مه روز همبستگی جهانی و طبقاتی کارگران نزدیک است. در این روز در سال ۱۸۸۶ اعتصاب و تظاهرات کارگران امریکا در شیکاگو در اعتراض به استعمار خشن نیروی کار کارگران و کاهش ساعت کار از ۱۴ و ۱۶ به ۸ ساعت در روز به خون کشیده شد. ۸ نفر از رهبران این اعتصاب کارگری در شیکاگو دستگیر و در دادگاه ظالمانه سرمایه داران محاکمه شدند. یکی از آنها خودکشی کرد، یک نفر به ۱۵ سال و ۲ نفر حبس ابد و ۴ نفر از کارگران مهاجر آلمانی به جوخه اعدام سپرده شدند. روز اول ماه مه با خون کارگران آبیاری شده است. در اول ماه مه ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر در سال ۱۳۶۸ جمال چراغ ویسی از فعالین کارگری و عضو اتحادیه صنعتگر شهر سنندج ۱۱ روز بعد از برگزاری اول ماه مه در سالن ورزشی تختی این شهر و قرانت قطعنامه ضد سرمایه داری کارگران، دستگیر و یک سال بعد همراه با تعدادی از زندانیان سیاسی اعدام شد. اول ماه سه سال قبل اعتراض کارگران و فعالین مدافع کارگران مقابل مجلس اسلامی در تهران به وسیله نیروهای سرکوبگر سرمایه داران سرکوب و تعداد ۱۰ نفر از تظاهرکنندگان دستگیر و هر یک به ۵ تا ۱۰ سال زندان محکوم شدند. در این روز هر سال تظاهرات و اعتراض ضد سرمایه داری کارگران در اقصی نقاط جهان در ایران، ترکیه و ... با سرکوب و دستگیری و زندان کارگران و فعالین روبرو میشود

اکنون بعد از ۱۳۵ سال از واقعه به خون کشیدن و کشتار کارگران شیکاگو، با وجود پیشروی ها و دستاوردها و جنبش ها و انقلابات کارگری و تحمیل مطالبات کارگری به دولتها و سرمایه داران در بخشی از کشورهای سرمایه داری، کارگران هنوز برای کاهش ساعت کار، علیه استثمار کار مزدی و علیه فقر و تبعیض و نابرابری باید علیه سرمایه داران و دولتهای حامی آنان دست به مبارزه بزنند. هنوز کارگران در اول ماه مه ها در اعتراض به فقر و نابرابری با برافراشتن پرچم اعتراض ضد سرمایه داری و طرح مطالبات طبقاتی و صنفی خود به میدان بیایند.


ما در شرایطی به استقبال اول ماه مه می رویم که پاندمی کرونا بر تمامی زوایای زندگی مردم سایه انداخته است. در ایران به دلیل حاکمیت کثیف اسلامی زندگی مردم در این شرایط بحرانی با مشقات فراوانی روبرو شده اند. فقر و فلاکت و گرانی و تورم و بحران ناشی از پاندمی کرونا زندگی مردم را چندین برابر سخت تر و اضطراب و نگرانی مردم را صد چندان کرده است. با وجود این بحرانها و سرکوب مداوم فعالین و تهدید و فضای اختناق، اما کارگران و اکثریت مردم زحمتکش و تهدست جامعه هر روز در اعتراض به زندگی فلاکتبار اقتصادی در اعتصاب به سر می برند. علیرغم تهدید جانی در این شرایط کرونایی ناچارند برای تحقق مطالبات خود و تحمیل آن به

رژیم سرمایه داران تلاش و مبارزه کنند و در کف خیابان به اعتراض خود ادامه دهند.

در روزهای اخیر تشکلات کارگران و بازنشستگان و معلمان با اعلام تظاهرات، با صدور قطعنامه های کارگری و طرح مطالبات طبقاتی و اقتصادی خود به استقبال اول مه روز جهانی کارگر می روند. در این روز لازم است که همه کارگران و مردم

محروم و به تنگ آمده از این شرایط سخت اقتصادی و معیشتی که سرمایه داران و دولت حامی آنان جمهوری اسلامی به اکثریت عظیمی از طبقه ما تحمیل کرده اند، ضمن طرح مطالبات طبقاتی و اقتصادی خود، مطالبه تامین معیشت و تهیه واکسن رایگان از جانب دولت را به یکی از پرچمهای مطالباتی خود تبدیل کنند. عبور از این بحران همه جانبه اقتصادی، سیاسی و مبارزه برای لغو کارمزدی و تحقق آزادی و رفاه و برابری فقط به دست کارگران و هم طبقه های آنان، بازنشستگان، معلمان و پرستاران و سایر انسانهای محروم جامعه ممکن و میسر است. اول ماه مه روز جهانی کارگر، روزی اتحاد کارگران برای خواستههای فوری و تعریف جنبش شان بعنوان راه حل بحران کنونی است. زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!

۲۹ آوریل



COVID-19 Vaccine
رایگان
استانداردهای
جهادشدهای
جهادشدهای
جهادشدهای

واکسیناسیون رایگان
با استانداردهای بهداشت جهانی،
حق فوری کلیه ساکنین ایران است!

شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست

زنده باد شوراها!

**ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه
جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها
را برپا کنید!**

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام

و فردا ارگان حاکمیت!

قحط "الرجال"

سیوان گرمی



جمهوری اسلامی و هر دو جناح آن کماکان می‌کوشند که هاله‌ای از توهم را کماکان زنده نگه دارند. اینبار برای دامن زدن به آن، به سراغ زنان رفته‌اند. از موقعیت زنان با زبان الکن خود نقد می‌کنند و از نبود فرصت در جامعه ناله سر می‌دهند.

امروز اپوزیسیون راست مخالف جمهوری اسلامی بر این حقیقت صحه

می‌گذارد که حداقل برای یک دهه بعد از رژیم اسلامی، مردم به دنبال عدالت اجتماعی هستند و دولتی سوسیالیستی سر کار خواهد آمد. پذیرش این حقیقت از جانب راست جامعه به خاطر درک درست از تحولات جامعه است. آنها دیمه ۹۶ و آبان ۹۸ و صدای اعتراض اسماعیل بخشی‌ها و سپیده قلیانها را شنیده‌اند و می‌دانند که این صدا، این فریاد اعتراض از کجا برمی‌خیزد. علاوه بر این، اذعان به این واقعیت به این معنی است که راست جامعه، اپوزیسیون طرفدار غرب به هیچ عنوان نمی‌خواهد و نمی‌تواند حداقل‌هایی از عدالت اجتماعی را برای جامعه به ارمغان بیاورد. اگر ذره‌ای، درصدی از آزادی، برابری و رفاه را می‌توانستند به ارمغان بیاورند، مطلقاً نامی از سوسیالیسم نمی‌آوردند.

زنان و مردان آزادیخواه!

بگذاریم این دو جناح رژیم اسلامی از سر و کول هم بالا بروند. جنگ آنها برای قدرت است. نهایتاً می‌خواهند عمری به کارنامه ننگین رژیم اسلامی اضافه کنند. ما انتخاب خود را کرده‌ایم. برای ما، ماجرای اصلاح‌طلب و اصول‌گرا به پایان رسیده است. هر نوع توهم به این تفاسیر رژیم اسلامی به معنی ترمز زدن به مبارزات تاکنونی علیه رژیم اسلامی خواهد بود. ما به دنبال جامعه‌ای آزاد و برابر و مرفه هستیم. ما به دنبال برابری مطلق و بدون قید و شرط زنان و مردان هستیم. برای این هدف مبارزه کرده‌ایم و در راه رسیدن به آن، هزاران انسان عزیز جان باخته‌اند. به این اردو بپیوندید!

۳۰ آوریل

معمولاً در ماه‌های منتهی به مضحکه انتخابات رژیم اسلامی در دوره‌های گذشته بحث تفسیر واژه "رجل سیاسی" را در "قانون اساسی" رژیم اسلامی به پیش می‌کشیدند. طبعاً این افراد و جریانها وابستگی سیاسی به جریان درون خانوادگی اصلاح‌طلب داشتند. در درون و بترین "رجل سیاسی" جمهوری اسلامی، کسی برای عرضه باقی نمانده است. همه دوره‌ای در صدارت بودند و این است وضع جامعه که می‌بینیم.

دلسوزی برای زنان یا پایان ماجرا

بحث تفسیر رجل سیاسی حول مساله مشارکت زنان در مضحکه انتخابات می‌چرخد. رژیم اسلامی از هر حربه‌ای استفاده می‌کند تا بتواند بخشی از جامعه را قانع کند که در این مضحکه پادویی کنند. هنوز انگشتان بنفشی که روحانی را برای دو دوره چهار ساله برای گسترش فقر و بیکاری و فلاکت انتخاب کردند، در مقابل چشمانمان به وضوح دیده می‌شود. رجل سیاسی پرت شده از دایره قدرت که ژست مردمی بودن را در رسانه‌های بی‌بی‌سی و صدای آمریکا و دیگران می‌گیرند، این قضیه را خط قرمز خود می‌دانند. چهار دهه تبعیض علیه نصف جامعه می‌گذرد که حداقل سه دهه در آن شریک بودند و امروز، یک دهه خارج از دایره قدرت رژیم اسلامی در گوشه‌ای دیگر از دنیا کماکان لکنت زبان دارند. دفاع از برابری انسانها جرات می‌خواهد که شما ندارید و نداشتید. به تاریخ ۴۲ ساله رژیم اسلامی که در سه ربع آن سهم بودید، نگاهی بیاندازید. در خلوت خود می‌گوئید که انصافاً ما درست می‌گوییم. جرات ندارید و نداشتید. از نصف جامعه می‌ترسید. رژیم اسلامی، این گرگ باران دیده، انتهای تونل مبارزات مردم در ایران را می‌بیند. جایی که در نهایتاً و در صف اول این مبارزات، زنان حضور دارند. جایی که هر تغییری در جامعه، هر تصمیمی در جامعه و هر تحول آزادی‌خواهانه‌ای با تصمیم زنان، با حضور زنان و با دخالت مستقیم و موثر آنها صورت می‌گیرد. بخشی از جامعه که چهل سال است مورد تبعیض قرار گرفته است. حالا و دوان دوان، اصلاح‌طلبان مشمنز کننده به تکاپو افتاده‌اند تا دوباره پای منبر تفسیر "رجل سیاسی" بنشینند تا شاید بتوانند آبی از آن برای زنان بغل دستیشان، برای معصومه ابتکارهای درون و بیرون حکومت گرم کنند.

مگر قرار نیست این سیستم فقر و گرسنگی ادامه پیدا کند؟ مگر قرار نیست که کارگران چندین بار زیر خط فقر باشند؟ حالا که قحط الرجال است، حالا که حنای رژیم اسلامی بی رنگ شده است، چه ترفندی بهتر از دعوت و داخل کردن چند زن در این عرصه! به لطف گسترش مبارزات مردم در سالهای اخیر و افزایش تحركات کارگری، پرستاران و بازنشستگان در مقابله با رژیم اسلامی در همه عرصه‌ها، رژیم اسلامی به سمت یکدست شدن کامل می‌رود و این احتمال، می‌تواند متوهمین باقی‌مانده به رژیم اسلامی را یکدست کند. عده‌ای که سالها به دنبال زندگی سیاسی خود در شکاف اصلاح‌طلب و اصول‌گرا بودند، الان جایی برای نفس کشیدن سیاسی ندارند. پایان توهم، یعنی پایان زندگی سیاسی بخشی از مردم که در این توهم زندگی می‌کردند. اما

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم،

به چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت

یادداشت ها،

سیاوش دانشور

"حاکمیت دوگانه"؟!

تاج زاده و اصلاح طلبان نمایش بی مزه و عوامفریبانه ای را روی صحنه آورده اند. وی با استمداد از خامنه ای و برادران خشک مقدس تر حکومت میگوید؛ برای نجات نظام به "حاکمیت دوگانه" پایان دهیم "چرا که هیچ ملتی در دراز مدت حاکمیت دوگانه را قبول نخواهد کرد"؟! تعریف او از حاکمیت دوگانه نیز "نهادهای منتخب ملت" و "نهادهای اجماعی" یعنی وجه دیگر انتصابات حکومتی توسط خامنه ای است.

سلحشور اصلاحات و مدافع "اجرای کامل قانون اساسی" نیز مانند جناح مقابل در پی یکدست شدن حکومت اما به روش دیگری است. جناح راست تر حکومت هر سناریویی برای نمایش انتخابات ۱۴۰۰ پیش رو بگذارد، خروجی آن حاکمیتی یکدست از همین جناح است. تاج زاده هم همین را میخواهد اما با آشتی کنان، بازی دادن دوباره اصلاح طلبان، جلب نظر جناح اصولگرا و البته با رهبری آقا برای ایجاد اصلاحات!

واقعا تاج زاده نمی فهمد مراسمهای جاری "انتخابات" نام ندارد بلکه یک مضحکه تمام عیار است؟ نمی فهمد در جایی که احزاب غیر قانونی و "منحله" و "محارب" اند، حتی احزاب اپوزیسیون طرفدار جمهوری اسلامی و همینطور احزاب حکومتی مانند مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی که در آدمکشی اسلامی کارنامه قطوری دارند ممنوع اند، هیچ نهاد و سازمان مستقل کارگری و زنان و غیره برسمیت شناخته نمی شود، اطلاق "انتخابات" به این مضحکه شیدایی محض است؟ تاج زاده و اصلاح طلبان حکومتی همه می دانند که جریان از چه قرار است، آنها در وحشت از طوفان اعتراضات عمومی به ریسمان پوسیده نظام آویزان شدند و از حکومت شان دفاع می کنند. اینکه دفاع از بقای حکومت فقر و آپارتاید کدام قالب سیاسی و ایدئولوژیکی بخود می گیرند، ثانوی تر است.

نه جناب تاج زاده! اگر احزاب سیاسی و سازمانها و نهادی مستقل آزاد بودند، اگر حتی شرایط یک انتخابات نیمچه آزاد وجود داشت و افراد و جریانات مختلف کاندید داشتند، امثال تو و روحانی و دیگران چند صد رای هم نمی آوردند! شماها دستجمعی یک جامعه را بخون کشیدید، زدید و بستید و گرفتید و کشتید، بعد روی دوش تلی از اجساد میداندار شدید. بعد از کشتارهای مهیب، یواش یواش آدمکشان حرفه ای و چاقوکشان و شکنجه گران دیروز "اصلاح طلب" شدید و ادای ولتر و روسو و جان لاک را درآوردید! اصلاح طلبی حکومتی که در اوج قدرتش با دولت و مجلس، با یک دستور حکومتی موش شد و حتی نتوانست یک لایحه مطبوعات برای "خودی" ها تصویب کند، همانجا دفن شد و دیماهی ها میخ آخر را بر تابوت اصلاحات کوبیدند.

جمهوری اسلامی هیچوقت "حاکمیت دوگانه" نداشته است. در دوره انقلابی کوتاه بعد از قیام و تا قبل از سال شصت، زمانی که جمهوری اسلامی نمیدانست میماند یا نه، شکلی از قدرت دوگانه وجود داشت که با سرکوب خونین خرداد سال شصت تمام شد. دو جناح در حکومت

پایدارتر است و در هر دوره اشکال و قالبهای مختلفی بخود میگیرد اما حاکمیت دوگانه حرف مفت است. کسی که اینرا از تاج زاده قبول میکند، دولت و مجلس و کل "انتخابات" و "حق" و "امکان انتخاب" و متعلقات این پروسه را تحت عنوان "نهادهای منتخب مردم" قبول کرده است. در جمهوری اسلامی هیچوقت انتخابات

نیمچه آزاد هم وجود نداشته است. اولین انتخابات مجلس شورا، که هنوز اسلامی نشده بود، در استانهائی از جمله کردستان کمونیست ها و رادیکالها رای آوردند، امام تان آنرا لغو کرد و شما در رکابش همراه با گروه قاتلی که سر دسته اش بودید، بروی مردم شلیک می کردید و چاقو می کشیدید!

"حاکمیت دوگانه" اما با سیر سقوط و فروپاشی جمهوری اسلامی شکل خواهد گرفت و آن قدرت در پائین است، قدرت شوراهای کارگری و مردمی و نهادهای مستقل توده ای و احزاب سیاسی. اتفاقا این قدرت هم میخواید با جارو کردن بقایای جمهوری اسلامی سرنگونی انقلابی را بفرجام برساند. فرصت زیادی برای عنتربازی در بارگاه سلطنت اسلامی باقی نمانده است!

"بخ" و "بخ شکن"!

اینبار تاج زاده با شمشیر چوبین!

تا امروز همه حکومتی ها از فضای "بخ" زده انتخابات سخن گفتند و حتی خوشبین ترین ها و متوهم ترین هایشان گفتند که اگر خاتمی هم بیاید یا حزب درست کند، کسی توجه نمی کند. لذا گرم کردن تنور این بساط بخ زده به مسئله جناح ها و مطبوعات متفرقه حکومتی بدل شده است. ظاهرا اعلام کاندیداتوری مصطفی تاج زاده، کسی که معتقد است خود خامنه ای باید رهبر اصلاحات در کشور شود، نور امیدی به این صف مستاصل و ناامید برده است و برخی از مفسران قلم به مزد اصلاح طلب حکومتی لقب "بخ شکن" به وی داده اند.

باید از فضای کلاب هاوسی ملی اسلامی ها کمی فاصله گرفت تا دنیای وسیع جامعه را دید، نه فقط عدم اعتماد به هر عنصر حکومتی بلکه نفرت عمیق از این نمایش و مضحکه دوره ای که دفاع از و مشروعیت دادن به نظام اسلامی و شخص خامنه ای را هدف خود قرار داده است، گسترده و عمیق است. این بخ در کارخانه بی اعتمادی و نفرت از حکومت اسلامی قالب گرفته است.

فضای یخی کنونی را سلحشوران مرتجعی مانند تاج زاده ها ایجاد کردند. اینها وقت خودش شکست خوردند و به غلط کردم افتادند. حنای نمایش روحوضی و عنتربازی انتخاباتی دیگر حتی برای متوهمین ترین ها رنگ باخته است. فاضلاب را هرچه هم بزئید تنها انتشار بوی گند بیشتر می شود. تاج زاده یک فسیل سیاسی است که بدون خامنه ای و اذن او قابل تعریف نیست. شعور مردم را دست کم نگیرید هرچند دامنه شعور شما از چهارچوب عمارتی که لای دیوار هایش خون دلمه شده، فراتر نمیرود.



تعارض اسلام با رقص و شادی

در حاشیه رقص دو جوان در سلیمانیا

سعید آرمان

هفته قبل ۲۳ آوریل برابر با سوم اردیبهشت دختر و پسر جوان سوربایی و عراقی که از اربیل به سلیمانیه سفر کرده بودند، شب در کافه‌ای نشسته و بر حسب اتفاق موزیک مورد علاقه‌شان از ساوند سیستم کافه‌تیریا پخش میشود. این دو جوان که بعدها در مصاحبه تلویزیونی مشخص شد که مری رقص می‌باشند، شروع به رقص زیبای سالسا میکنند. ویدیوی رقص آنان سریعاً و وسیعاً در شبکه‌های اجتماعی پخش و انعکاس وسیعی را به همراه داشت. اسلامیها آنرا تقبیح و وارد عمل شدند و تهدید کردند که "آداب و رسوم و سنتهای" ما در ماه مبارک رمضان مورد هتاک قرار گرفته و ما چنین توهینی را تحمل نخواهیم کرد. صبح روز بعد دو زن محببه که مدرک تحصیلی وکالت را در جیب داشتند وارد کارزار شدند و طی کنفرانس مطبوعاتی خواهان دستگیری، محاکمه و مجازات این دو جوان شدند که "ارزشهای فرهنگی کردها" را لکه دار کرده‌اند. غروب همانروز ۲۴ آوریل اسلامیها به تحریک امامان مساجد و احزاب اسلامی و تلویزیونهای وابسته به کافه تریایی که در آن رقص سالسا برگزار شده بود سرازیر شدند و نماز "تراویح" (نماز ویژه ماه رمضان اهل تسنن) برگزار کردند و از رسانه‌های جمعی به سبک همه جنبشهای اسلام سیاسی شروع به کف چرانی و تهدید کردند، رگ گردن بالا زدند و خواهان محاکمه و مجازات آنان شدند.

تلویزیون روداو در سلیمانیه مصاحبه‌ای با این دختر و پسر جوان کرد که بسیار متین و موقر به سوالات خبرنگار پاسخ دادند که هدف آنان از این رقص شریک شدن در شادی حضار و صرفاً نمایش یک احساس هنری بوده و قصد توهین به کسی یا مذهبی را نداشته‌اند زیرا آنان رقص را هنر میدانند نه عرصه توهین به عقاید یا غیره. ناگفته نماند در این میان تلویزیون ان آر تی NRT وابسته به جریان "نسل جدید" برخلاف اسم پر طمطراقش به بلندگوی جریانات ارتجاعی و اسلامی بدل شده و مجاهدت زیادی کردند تا از آب گل آلود ماهی بگیرند که جز رسوایی چیزی عایدشان نشد.

در تقابل با تحرک اسلامیها که هرازگاهی به چنین بهانه‌هایی عرض اندام میکنند و امر خصوصی خود را از خانه و مسجد به خیابانها و کانالهای تلویزیون می‌کشاند و با تهدید فضای جامعه را ناامن میکنند، بخش سکولار جامعه از رقص و شادی این دو جوان استقبال کردند و یک دیوار حمایتی از آنان ساختند تا کم کم اسلامیها را وادار به عقب نشینی کردند و کمپین به محاکمه کشاندن جوانان هنرمند یک روز بیشتر دوام نیاورد و درجا خفه شد.

از این نمونه‌ها کم نبوده‌اند که امامان مساجد در اوج دهن دردیگی به زنان هنرمند تاخته‌اند و آواز خواندن آنان را تقبیح کرده‌اند. این امامان جماعت و اسلامیهای متحزب در چند حزب موجب بگیر دولت عربستان و قطر و رژیم فاشیست ترکیه که اینچنین رقص و شادی آنان را به خشم وادار میکنند در عوض در مقابل کشتار سبعانه و دردناکه

هزاران زن تحت نام ناموس و شرف سکوت کرده‌اند و لب به شکوه نمی‌گشایند.

رقص و شادی، هملپهرکئی کوردی آنهم در سطح وسیع در شهرها و روستاها بویژه در کردستان عراق به حدی است که زبازد خاص و عام است که علیرغم تمام فجایعی که طی یکصد سال گذشته دولتهای حاکم به مردم کردستان تحمیل کرده‌اند اما شادی و رقص و موسیقی و آواز جایگاه ویژه‌ای در زندگی روزمره مردم این منطقه داشته و هر روز به شیوه جدیدتری خود را نمایان میکند. مردم عادی در کردستان علیرغم پراتیک مذهب بعنوان امر شخصی مانع شادی و رقص بعنوان بخش لایتنجری زندگی شان نشده است.

با تحولات سیاسی بعد از سقوط صدام حسین احزاب و جریانات اسلامی تحت رهبری جمهوری اسلامی و سایر کشورهای اسلامی عربستان و ترکیه در کردستان جان گرفتند، با پول و امکانات آنان ارتزاق و کم کم رشد کردند و مناطقی از کردستان مانند حلبچه را زیر سیطره فرهنگی خود قرار داده‌اند. در چند سال گذشته به یمن احزاب حاکم بر اقلیم کردستان احزاب اسلامی و امامان مساجد سعی در فرهنگ سازی و اسلامیزه کردن جامعه داشته‌اند. رشد ارتجاعی ناموس پرستی که یک فرهنگ مشترک عشیره‌ای - اسلامی علیه زنان است، تاکنون هزاران زن را تحت نام شرف و ناموس قربانی کرده و به قتل رسانده است. جنابتهایی که هنوز در هیچ ارگان رسمی تقبیح نشده و قاتلین که عمدتاً از جنس نرینه خانواده و یا بستگان هستند، زیر سایه این حکومت به زندگی ننگین خود ادامه میدهند. اما در عرصه هنر و موسیقی و آواز و رقص و شادی، جریانات اسلامی علیرغم فحاشی و الفاظ رکیک و زننده به بانیمان موسیقی و هنرمندان، نتوانسته‌اند فضای کردستان را به افغانستان دوران طالبان و یا موصل تحت حاکمیت جانیان داعش تبدیل کنند.

اینبار به یمن جریانات ضد مذهبی و سکولار در جامعه و طیف وسیعی از جوانان که حاضر نیستند به زیر بیرق سیاه اسلامی بروند تلاش اسلامیها برای قطعی کردن جامعه به جنگ کذابی اسلام و کفر خنثی شد و به یک افتضاح سیاسی بدل شد. این مسئله یکبار دیگر ضدیت و بیگانگی مذهب و بویژه اسلام سیاسی را با شادی بنمایش گذاشت و ثابت نمود که باید دست مذهب از سیاست و زندگی خصوصی مردم کوتاه شود تا حق حیات و شاد زیستن از آنان سلب نشود.

۲۹ آوریل ۲۰۲۱ - نهم اردیبهشت ۱۴۰۰

دولت موظف به تامین نیازهای معیشتی،

درمانی، بهداشتی و واکسیناسیون رایگان

ساکنین ایران در شرایط گسترش پاندمی

کرونا است!

قطعهنامه روز جهانی کارگر ۱۴۰۰ اول ماه مه ۲۰۲۱

کارگران و خانواده های کارگری شهرهای: سنندج، کرمانشاه، مریوان، کامیاران، باوه، بوکان، سردشت، مهاباد، اشونیه و نقده

گرمایش کره‌ی زمین محصول و زائیده‌ی انکار ناپذیر نظام سرمایه‌داری بوده، و با تداوم حاکمیت آن افق‌های بسیار تیره‌تری را به همگان خواهد نمایاند. لذا همبستگی بین‌المللی طبقه‌ی کارگر در برابر این نظام سرا پا گنبدیده می‌تواند پایانی بر گرسنگی و فقر و فلاکت، بردگی، بیماری و بی‌تأمینی باشد.

ما که با دست‌ها و اندیشه‌های توانمند خود چرخ‌های تولید را می‌چرخانیم و نعمات و ثروت‌های بی‌پایانی را جهت خوشبختی و بهرمندی بشر می‌سازیم؛ ما که بانگ آزادی و مساوات را رساتر از سرمایه‌داری سر می‌دهیم، خود نیز می‌توانیم نظام شایسته‌ی بشر را خلق کرده، و تمامی آثار شوم نظام حاکم را از سیمای رنجور جهان پاک نماییم.

از اینرو ما امضاء کنندگان این قطعهنامه، در شرایط امسال سیاست کارگران را در قبال وضع موجود اعلام می‌کنیم. ما این توقعات و خواسته‌ها را نه فقط برای کارگران بلکه برای تمامی جامعه خواستاریم. فراخوان ما ایجاد بیشترین همبستگی و سازمانیابی و ابتکار مبارزاتی کارگران و مردم حق‌طلب حول این توقعات و خواسته‌ها است.

در اول ماه مه امسال اعلام می‌داریم:

۱- ویروس کرونا باید با سیاست قرنطینه و تامین ملزومات آن توسط دولت کنترل شود. واکسیناسیون رایگان عموم شهروندان با استاندارد جهانی سرعت اجرا و تضمین شود.

۲- پاسخ فوری به فقر و گرسنگی دامنگیر مردم، تامین نیازهای حیاتی زندگی است. دولت موظف است لوازم زندگی و معیشت کافی تمامی آحاد جامعه را تامین نماید.

۳- ما "حداقل دستمزد" اعلام شده از جانب دولت حامی کارفرمایان و سرمایه‌داران را تحمیل گرسنگی و مرگ تدریجی به کارگران و خانواده‌های کارگری دانسته، و آن‌را به شدت مردود و محکوم می‌کنیم؛ و کیفرخواست خود را بر علیه دستمزدهای زیر خط فقر، و دستمزدهای معوقه اعلام می‌داریم؛ و دستمزدهایی متناسب با شرایط موجود جهت حصول زندگی درخور و شایسته‌ی انسان امروز را خواهانیم.

۴- بیکارسازی در شرکت‌های بزرگ و کوچک سیر صعودی در سال گذشته داشته است. بیکاری زندگی میلیون‌ها انسان آماده به‌کار و خانواده‌های کارگری را تهدید می‌کند. لذا اخراج و بیکارسازی باید ممنوع شود.

۵- دولت موظف است کار یا پرداخت بیمه بیکاری کافی برای همه انسان‌های بیکار و آماده به‌کار را تامین نماید.

۶- خواهان تامین مسکن مناسب برای همه‌ی افراد فاقد سرپناه هستیم. حاشیه‌نشینان، کودکان کار، کارشن‌خواب‌ها، گورخواب‌ها، ماشین‌خواب‌ها، دستفروشان، معنادین، کارگران بخش بازیافت زباله عمدتاً بی مسکن هستند؛ و در عین حال دولت آلودگی‌های خارج از محدوده را با بولدوزر ویران می‌کند. ما کارگران این اقدامات ضد انسانی را محکوم می‌کنیم و دولت را موظف به تامین مسکن مناسب این شهروندان با رعایت حرمت انسانی آنان می‌دانیم.

امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر می‌رویم که تشدید بحران جهانی سرمایه‌داری و همگیری ویروس کرونا، تمامی زوایای زندگی کارگران و فرودستان جهان آغم از کار و معیشت و امنیت جانی آنان را در معرض فروپاشی قرار داده است.

در چنین شرایطی سرمایه‌داران و دولت‌های حامی آن‌ها بار سنگین وضعیت موجود را بر دوش طبقه‌ی کارگر و لایه‌های فرودست جامعه انداخته، و بحران‌های موجود را همچون فرصتی مناسب جهت هر چه بی‌حقوق‌تر کردن طبقه‌ی کارگر جهانی کرده‌اند.

پیرو چنین وضعیتی در ایران نیز تورم لجام گسیخته و سیر صعودی قیمت کالاها اساسی و مورد نیاز روزانه‌ی مردم، همراه با دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و در عین حال پرداخت نکردن به موقع همین دستمزدهای ناچیز، فقر و فلاکت بی‌سابقه‌ای را به اکثریت طبقه‌ی کارگر و اقشار فرودست جامعه تحمیل کرده است. بر متن چنین اوضاعی گسترش بی‌سابقه‌ی آسیب‌های اجتماعی (همچون افزایش خشونت‌های خانگی و قتل‌ها ناموسی) زندگی و هستی خانواده‌های کارگری را در سراسر سقوط قرار داده است.

در همان حال شیوع گسترده‌ی ویروس کرونا سایه‌ی مرگباری را بر جامعه گسترانده، و شریان‌های حیاتی آن را مسدود و چرخه‌ی معیوب حیات اجتماعی را معیوب‌تر از هر زمان دیگری کرده است. ابعاد واقعی شیوع این بیماری چنان گسترده است که با وجود فداکاری‌ها و جانفشانی‌های بی وقفه‌ی کادر پزشکی و پرستاران، هنوز هم پیامدهای فاجعه‌بار آن خودنمایی می‌کند. این اوضاع فاجعه‌بار به روشنی ناکارآمدی، ضعف مدیریت، و در یک کلام درماندگی دستگاه‌های مختلف حکومتی در مقابله با این بحران مرگبار را نشان می‌دهد. دولت تدبیر و امید سرمایه‌داران اگر نتوانست با اعمال قرنطینه‌های لازم، همراه با تامین هزینه‌های زندگی مردم، تامین ملزومات رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی مانع شیوع گسترده‌ی ویروس کرونا شود، اکنون هم با امتناع از اختصاص بودجه‌ی لازم برای تهیه‌ی واکسن، مردم ایران را بیشتر در معرض خطر ابتلاء به این بیماری قرار داده، و در مقیاسی گسترده وارونگی نظام سرمایه‌داری را و اصل تقدم اولویت سود سرمایه بر نیازهای انسانی و اجتماعی را به عریان‌ترین شکل نشان می‌دهد.

از اینرو ما کارگران همانطور که با اعتصابات و اعتراضات خود نشان داده‌ایم، به این اوضاع فلاکت‌بار اقتصادی و به این شرایط مرگباری که بحران کرونا تحت حاکمیت سرمایه‌داران به ما تحمیل کرده است تمکین نخواهیم کرد، و تخم نارضایتی و انزجار خود را در بستر همین مبارزات جاری خواهیم پروراند؛ تا پیامد آن، و در پرتو اتحاد و همبستگی طبقاتی، اوضاع آسفبار کنونی را پایان بخشیده، و روزهای بهتر و روشن‌تری را خلق نماییم.

در پرتو چنین رهیافتی ما قویاً اعلام می‌داریم: تا زمانی که این نظام ظالمانه حاکم است حتی یک لحظه از مبارزه برای تحمیل خواسته‌های بر حق خود به سرمایه‌داران و دولت‌های حامی آن‌ها دست نخواهیم کشید، و در دل همین مبارزات روزمره صفوف خود را متحدتر خواهیم نمود. بر کسی پوشیده نیست که تعمیق شکاف طبقاتی و گسترش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، همراه با نابودی منابع و زیست‌بوم‌های طبیعی و

شدند، اعلام همدری می‌کنیم. برای بیماران آرزوی سلامتی و بهبود داریم. اول مه را به طبقه‌ی کارگر ایران و جهان تبریک می‌گوئیم.

زنده باد اول مه
زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر
اردیبهشت ۱۴۰۰ - مه ۲۰۲۱

کارگران و خانواده های کارگری شهرهای: سنندج، کرمانشاه، مریوان، کامیاران، پاوه، بوکان، سردشت، مهاباد، اشنویه و نقده

قطعنامه روز جهانی کارگر ۱۴۰۰ اول

ماه مه ۲۰۲۱ ...

۷- تهدید و بازداشت فعالین کارگری و اجتماعی ادامه دارد. ما خواهان توقف بازداشت‌ها و احضارها و سرکوبگری‌ها هستیم. زندانیان سیاسی فوری باید آزاد شوند. خواهان توقف اعدام‌ها و لغو مجازات اعدام هستیم.

۸- از مبارزات بازنشستگان، معلمان، زنان و جوانان و مردم زحمتکش قاطعانه حمایت می‌کنیم. بر اتحاد و همبستگی جنبش کارگری با جنبش معلمان، زنان، دانشجویان و نسل جوان و دیگر جنبش‌های اجتماعی ضد تبعیض و حق طلب پای‌فشرده، و اعلام می‌کنیم فشار و محدودیت و اعمال سرکوب و پرونده‌سازی علیه فعالین این جنبش‌ها و تشکل‌های مستقل آن‌ها باید ممنوع شود.

۹- قتل و کشتن کولبران در کردستان و سوخت‌بزان در سیستان و بلوچستان را محکوم می‌کنیم، و بر توقف این جنایات پافشاری می‌کنیم؛ لذا باید امنیت و معیشت این انسان‌های زحمتکش تامین و تضمین شود.

۱۰- سیاست‌های نژادپرستانه دولت و کارفرمایان در قبال کارگران مهاجر افغانستانی از جمله اخراج و ندادن هیچ امکانی به آن‌ها و عدم پذیرش در بیمارستان‌ها را قویاً محکوم می‌کنیم. کلیه‌ی ساکنین ایران باید بدون تبعیض، از معیشت و منزلت و سلامتی و بهداشت یکسان و همگانی برخوردار باشند.

۱۱- خواهان تضمین برابری کامل زن و مرد و رفع تبعیض از زنان در تمامی شئون زندگی اقتصادی اجتماعی و سیاسی هستیم، و بر پرداخت دستمزد و حقوق برابر برای زن و مرد در قبال کار مشابه تاکید می‌کنیم.

۱۲- ما بر آزادی بیان و عقیده، تشکل و حزب، اعتصاب، اعتراض و تجمع به عنوان حقوق پایه‌ای کارگران و مردم پافشاری می‌کنیم؛ و تعطیلی روز اول مه و گرامی‌داشت این روز که از حقوق اولیه کارگران است را خواهیم.

۱۳- ما بر آموزش و پرورش رایگان و همگانی در تمامی سطوح تحصیلی تأکید ورزیده، و ایجاد شرایط مناسب برای فرزندان خانواده‌های کارگری را خصوصاً در بحران کرونا خواهیم؛ و استفاده از برنامه‌ی "شاد" در ارائه‌ی آموزش را با توجه به عدم دسترسی بسیاری از تهی‌دستان به آن را ضد انسانی و تبعیض‌آمیز می‌دانیم.

در پایان ما صمیمانه به تمامی پزشکان و پرستاران و کارکنان کادر درمان، به کارگران بخش نظافت، رانندگان آمبولانس و حمل و نقل و به کارگران مراکز تولید مواد غذایی و بهداشتی که در صف اول نجات دهندگان جامعه جهانی‌اند درود می‌فرستیم. چرا که در بحران کرونا بار دیگر بر همگان ثابت شد این کارگران و انسان دوستان‌اند که ناجیان جهان هستند، نه دولت‌ها و سرمایه‌داران استثمارگر.

همراه با هم طبقه‌ای‌هایمان در سراسر جهان روز کارگر را گرامی می‌داریم. با جنبش طبقه‌ی کارگر جهانی اعلام هم‌سرنوشتی و همبستگی می‌کنیم. ما خود را در هر گوشه‌ی جهان بخشی از مبارزه علیه سرمایه‌داری و تلاش برای ایجاد جهانی آزاد و برابر و مرفه می‌دانیم. ما با خانواده‌های کارگری و محرومان و کسانی که قربانی بیماری کرونا

کارگران جهان متحد شوید!

در اول مه نه شاهی تاجگذاری کرده است، نه مذهبی آمده است، و نه "ملتی" درست شده است! اول مه روز یک طبقه جهانی، روز یک جنبش بین‌المللی کارگری است که برای تغییر ریشه ای جهان، برای انقلاب کمونیستی مبارزه میکند!

اول مه روز صاحبان واقعی جهان است! روز بشریتی است که جهان بدون کار او نمیتواند سرپا بماند! روزی است که اسپارتاکوس‌های این جنبش، رهبران کمونیست و سوسیالیست کارگران، اعلام میکنند: برای رهایی جامعه راهی جز انقلاب کارگری، انقلاب بردگان مزدی، علیه سیستم بردگی مزدی وجود ندارد!

زنده باد اول مه!

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری!

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

مارس ۲۰۲۱

بیانیه کارگران هفت تپه به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی کارگر



امروز یک می (یازده اردیبهشت) روز جهانی کارگر است روزی که می بایست کار تعطیل می بود و کارگران با خیالی آسوده در کنار خانواده های خود دور هم جمع میشدند و جشن می گرفتند اما ما سالهاست که با آسودگی بیگانه ایم و امروز باید از دردها و تلاشها و حال و آینده مان بگوئیم و این روز را در وضعیت فرمز کرونا برای سرمایه دارن کار کنیم اما علیرغم این مشقت ها شعار ما "کارگر هفت تپه اتحاد اتحاد" در روز جهانی کارگر یعنی "کارگران جهان اتحاد اتحاد" است. ما از هفت تپه با ندای این اتحاد، روز کارگر را به طبقه کارگر در ایران و جهان تبریک میگوئیم.

آموزشی و درمانی و خدماتی حمایت می کنیم و خواستار آزادی کارگران و فعالین بازداشت شده و همه زندانیان سیاسی هستیم. اعتراض کارگران فولاد و هیکو و نفت و گاز و پتروشیمی ها، کارگران شهرداری ها، معلمان، بازنشستگان این نور دیدگان ما، پرستاران و کادر درمان که در قلب ما جای دارند و با فداکاری درس شرافت و آزادی می دهند بیاتگر این است که همه جا درد یکی است. علیه خصوصی سازی، علیه شرکتهای پیمانی و قراردادهای موقت ظالمانه، علیه فقر و تبعیض، علیه دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر، علیه ایجاد تفرقه و تحریک میان کارگران، هدف این اعتراضات دستیابی به زندگی بهتر و در خور شان مردم عزیز ایران است، درد کارگر درد نان شب است و زندگی بهتر و این روزها درد درمان است و دارو و واکسن.

دردها مشترک است و راه هم قطعاً مشترک است.

تجربه ما می گوید که ایجاد اتحاد گسترده کارگری ساده نیست اما عملی است. هرگاه کارگران با خرد جمعی وارد عمل شوند میتوانند به قدرت اتحادشان تکیه کنند و به اهداف خود برسند. ما تاکنون اساساً با اتکا به خرد جمعی و شورائی حرکت کرده ایم چرا که ما کارگریم و منافع واحد داریم و ناچاریم به یکدیگر تکیه کنیم. پس می بایست رمز موفقیت یعنی اتکا به خرد جمعی را تکثیر کنیم و مشکلات را یکی پس از دیگری از سر راه برداریم.

در این ایام ما کارگران هفت تپه با هموطنانی که گرفتار این بیماری منحوس بوده و یا داغدار عزیزانشان هستند ابراز همدردی میکنیم و به فداکارانی که در این دوران سخت امید جامعه بودند بویژه کادر درمان درود میفرستیم و از صمیم قلب برایشان بهروزی آرزو مندیم. با کارگران بخشهای مختلف کشور برای تهیه سریع واکسن استاندارد و رایگان و همگانی همصدا هستیم و تامین هزینه زندگی و معیشت مردم و تامین رایگان نیازهای درمانی و بهداشتی را وظیفه دولت و حق همه مردم ایران میدانیم.

در پایان مجدداً درود میفرستیم به تمام کارگران ایران و جهان و دستشان را به گرمی میفشاریم.

روزتان مبارک زحمتکشان

اما امروز باید نگاهی به سال گذشته بیاندازیم و کارهایمان را مرور کنیم و ببینیم کجا هستیم و باید به کجا برویم. هفت تپه در سال گذشته اعتصابات و اعتراضات طولانی و قدرتمندی داشت که ماحصل اعتراضات سال گذشته و سالهای قبل تر کشیدن اسدیگی و یارانش به دادگاه، افشای فساد مدیران و همکاران فاسد، گرفتن حقوق های معوق و تمدید دفترچه های بیمه بود. سال گذشته تمرکز مبارزه ما بر نفی بخش خصوصی و خلع ید از اسدیگی بود اما خواسته های دیگرمان همچون بازگشت به کار همکاران اخراجی و بسیاری مطالبات عرفی هم وجود داشتند که کماکان در راه دستیابی به آنان مبارزه میکنیم، در این میان اما مسائل و مشکلات با کارفرما و عواملش و توطئه های آنها کم نبود که خوشبختانه کارگران هفت تپه هشیارند و یک به یک توطئه ها را خنثی کردند. در اعتصاب طولانی تابستان گذشته خلع از مالکان فعلی به مطالبه اصلی کارگران آسیب دیده از خصوصی سازی ها در سراسر ایران بدل شد و این نشاندهنده جایگاه کارگران هفت تپه در جامعه کارگری ایران است.

ما حق خواهی را با تحمل هزینه های فراوان از اخراج و زندان و پرونده های متعدد قضائی پرداخت کردیم با اینحال امروز متحدتریم، امروز روشن تریم و میدانیم چه نمی خواهیم و چه می خواهیم الان در مقطعی هستیم که ماحصل این اعتراض و اتحاد و خون دل خوردن های ما در حال نتیجه دادن است ما گفتیم بخش خصوصی را بیرون می کنیم و هفت تپه را پس می گیریم و اینک محکم تر از همیشه در روز کارگر اعلام میکنیم که روی این عهد می مانیم و آنرا به سرانجام خواهیم رساند چرا که معتقدیم اسدیگی و بخش خصوصی بزرگترین مانع تولید و ارتقا کیفیت زندگی کارگران بوده و باید بروند و این خواسته اصلی کارگران است. هفت تپه باید به دولت برگردد و با مدیریت و نظارت شورایی کارگران اداره شود.

در روز کارگر فرصت را غنیمت شمرده و از کلیه کارگران و کسانی که از اعتصاب و اعتراضات ما و از نمایندگان ما حمایت کردند و در سخت ترین شرایط کنار ما بودند تشکر ویژه نموده و این پیام را میرسانیم که همراهی شما هیچگاه از نظر ما پنهان نخواهد شد. ما کارگران هفت تپه از اعتراضات برحق مراکز مختلف کارگری و

بیانیه مشترک (سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری) به مناسبت اول ماه مه

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روزی نمادین برای اتحاد و مبارزه مشترک کارگران در سراسر جهان علیه سرمایه داری است. صد و سی و دو سال پیش صدها هزار کارگر در سراسر آمریکا برای انسانی تر کردن شرایط طاقت فرسای کار و برقراری هشت ساعت کار روزانه، دست از کار کشیدند. تظاهرات کارگران شیکاگو که از شرکت کنندگان مهم این جنبش بودند در یک ماه مه با سرکوب خشن و خونین پلیس مدافع سرمایه داری روبرو شد. به رغم دستگیری و اعدام رهبران و کارگران مبارز، جنبش اعتراضی کارگری با رشادت ادامه یافت و از آن پس، یک ماه مه روز جهانی کارگر نام گذاری گردید.

در کشور ما سال هاست وضع معیشت کارگران و مزدگیران به نسبت گذشته سقوط می کند؛ دستمزد چند برابر زیر خط فقر، پرداخت نشدن مزد کارگران برای ماه های متوالی، اخراج و بیکار سازی گسترده، فساد گسترده دستگاه های دولتی، پولی سازی آموزش در مدارس و دانشگاه ها، تورم افسار گسیخته و گرانی، سیاست های غلط زیست محیطی که زندگی در برخی از نقاط کشور را غیر ممکن ساخته، بی توجهی به مطالبات بحق کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و غیره زندگی را برای کارگران و مزدگیران و اکثریت عظیم مردم غیر قابل تحمل کرده است. در این میان دارائی های کشور و سپرده های اندک مردم نزد مؤسسات مالی نیز غارت می شود و فریادرسی نیست.

خیزش گسترده مردم در دی ماه گذشته واکنشی طبیعی به فقر عمومی جامعه بود که هرچند با خشونت و زندان از شدت آن کاسته شده ولی همچنان در شهرهای مختلف ادامه دارد.

تشکل یابی کارگران و مزدگیران و اتحاد سراسری در برابر ظلمی که به آنان تحمیل می شود تنها راه تغییر شرایط طاقت فرسای کنونی است.

ما امضاء کنندگان بیانیه مطالبات خود را به شرح زیر اعلام و برای دستیابی به آن مبارزه خواهیم کرد:

۱- تعیین حداقل مزد کارگران بالاتر از خط فقر، که میزان آن برای سال ۹۷ بیش از پنج میلیون تومان است.

۲- پرداخت بدون تاخیر حقوق کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و مجازات کسانی که عامل معوق شدن حقوق هستند.

۳- پرداخت مستمری بیکاری مکفی به تمام بیکاران جوینده کار.

۴- تعیین مستمری بازنشستگان حداقل به میزان پنج میلیون تومان در ماه، تامین بیمه های اجتماعی کامل و کارآمد، نظارت نمایندگان منتخب بازنشستگان بر صندوق های بازنشستگی و شرکت در مدیریت آنها.

۵- قراردادهای موقت و سفید امضای کار، فقدان امنیت شغلی و وجود شرکت های پیمانکاری و واسطه ای؛ حوادث، بیماری ها و سوانح مرگبار ناشی از فقدان ایمنی و بهداشت کار، به ویژه در بخش های ترابری، معادن و ساختمان سازی، همواره از معضلات و مشکلات توان فرسای کارگران در کشور بوده است. ما کارگران ضمن اعتراض به چنین وضعیت ناگواری، خواهان برچیده شدن قراردادهای موقت و سفید امضا، حذف شرکت های پیمانکاری و واسطه ای، قرار گرفتن کلیه کارگران شاغل از کارگاههای کوچک گرفته تا کارگران مناطق آزاد، تحت پوشش کامل قانون کار و اجرای فوری بیمه کارگران ساختمانی و در یک کلام پایان دادن به شرایط سخت و زجرآور کار در مراکز و محیط های کار و تولید هستیم.

۶- حق ایجاد سندیکاها و تشکلات مستقل برای کارگران.

۷- اخراج و تعقب پلیسی - امنیتی - قضایی کارگران، معلمان و دیگر فعالان صنفی متوقف گردد و کارگران و معلمان زندانی بدون قید شرط آزاد باید گردند.

۸- آزادی اعتصاب، راه پیمایی، اعتراض، گردهمایی، عقیده و بیان

۹- در شرایط تورم و گرانی روز افزون اعمال سیاست های اقتصادی مخالف عدالت اجتماعی معروف به سیاست های ریاضتی همچون رها سازی قیمت ها، تعدیل کارکنان و خصوصی سازی های منجر به اخراج کارگران و مقررات زدایی حقوق کار و نابود سازی دستاوردهای چند ده ساله حقوق کارگری و تعرض ضد کارگری به قانون کار را محکوم کرده و خواهان پایان بخشی به این سیاست های اقتصادی ضد کارگری و ضد عدالت اجتماعی هستیم.

۱۰- اکثر بازنشستگان کارگری در شرایط وخیم اقتصادی و معیشتی روزگار می گذرانند و به لحاظ کمک های غذایی بهداشتی دچار کمبود های اساسی می باشند. ما ضمن اعتراض به این وضعیت اسفناک خواستار برخورداری همه بازنشستگان به ویژه بازنشستگان حداقل بگیر از یک زندگی خوب و شایسته هستیم.

۱۱- ممنوعیت کار کودکان و نوجوانان.

۱۲- برابری کامل حقوق زنان و مردان در تمام شئون زندگی از جمله برابری مزد زن و مرد برای کار یکسان.

۱۳- ما به همراه عموم کارگران ایران و جهان، سیاست های مداخله گرانه، جنگ افروزان و تجاوزکارانه از جانب هر دولت متجاوز را علیه مردم کشورها محکوم نموده و خواهان برقراری صلح، امنیت، رفاه و پیشرفت برای تمامی مردم ایران، منطقه و جهان هستیم.

۱۴- خواهان رفع هر گونه تبعیض و بی عدالتی نسبت به کارگران مهاجر به ویژه کارگران افغان در ایران و نیز سایر کارگران مهاجر در سراسر جهان می باشیم.

۱۵- اول ماه مه، روز جهانی کارگر باید تعطیل رسمی اعلام شده و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود. ما خواهان لغو هرگونه محدودیت در برگزاری مراسم این روز جهانی هستیم.

سقوط هر چه بیشتر سطح معیشت و ناتوانی حاکمیت در پاسخ به مطالبات برحق مردم، از عوامل اصلی تشدید فشار بر فعالین کارگری، معلمان و کنشگران جنبش های مطالباتی است.

در برابر حق طلبی و عدالت خواهی ما پاسخی جز تهدید، ارعاب، پرونده سازی، زندان، شلاق و شکنجه ندارند و هرگز هم نداشته اند. صف کار، آموزش و عدالت اجتماعی در کنار مبارزه برای آموزش رایگان، لغو خصوصی سازی در همه بخش های اقتصاد، برخورداری همگان از تامین جامع اجتماعی، حق کار، مسکن اجتماعی، بیمه های کارآمد، سلامت همگانی و اجرای درست همسان سازی حقوق بازنشستگان، همزمان بر مطالبه آزادی بی قید و شرط همه فعالین کارگری و معلمان دریند، همه زندانیان سیاسی و عقیدتی، حق ایجاد تشکل مستقل صنفی و طبقاتی و حق تجمع و اعتراض تاکید می کند. امسال هم در روزهای یازده و دوازده اردیبهشت مطالبات مشترک خود را بار دیگر مطرح می کنیم.

تا حق خود نگیریم/ از پا نمی نشینیم

اتحاد بازنشستگان

۱۴۰۰/۲/۱۰

بیانیه اتحاد بازنشستگان به مناسبت یازده

اردیبهشت روز جهانی کارگر

یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر و دوازده اردیبهشت روز ملی معلم است. کارگران و معلمان به عنوان دو بخش مهم از نیروی کار کشور همراه با سایر بخش ها، به ویژه بازنشستگان، کارکنان بخش بهداشت و سلامت، زنان، بیکاران و زحمتکشان شهر و روستا فصل مشترک های روشنی دارند که می تواند عامل اتحاد فراگیر مطالباتی برای تغییر اساسی شرایط زندگی نیروی کار کشور باشد. همه این بخش ها بشدت از تورم سنگین، مزدهای ناچیز و پائین تر از خط فقر و سقوط شدید قدرت خرید در اثر تشدید بحران اقتصادی و اجتماعی رنج می برند؛ بهره کشی برده دارانه از نیروی کار، نظام چند لایه تبعیض های مزدی با وجود کار برابر، سلب امنیت شغلی با قراردادهای موقت و محرومیت از حق تشکل مستقل صنفی و طبقاتی برای مقابله جمعی و موثر با عوامل سرکوب و استثمار در حق همه بخش های نیروی کار اعمال می شود.

محرومیت از نظام جامع تامین اجتماعی، اعتراض به بیمه های ناکارآمد «تکمیلی» و کالایی شدن فزاینده خدمات عمومی با تفاوت های جزئی در همه بخش های کارگران و مزدبگیران مشترک است. رانت خواری و غارتگری در صندوق های بازنشستگی، در صندوق ذخیره فرهنگیان در نحوه تخصیص منابع سازمان تامین اجتماعی و شیوهی ناسالم همسان سازی حقوق و مستمری ها، در اختصاصی سازی دارایی های عمومی به نام واگذاری به بخش خصوصی و خصوصی سازی، در برون سپاری خدمات عمومی، در نپرداختن دستمزدهای نیروی کار و مزایای شغلی، در عدم تخصیص امکانات آموزش مجازی برای کودکان و ترک تحصیل کودکان، همه و همه از دردهای مشترک بخش های مهمی از نیروی کار صنعت، خدمات، بهداشت، آموزش و پرورش کشور و همچنین عموم بازنشستگان و زحمتکشان و محرومان کشور است.

در حالی که وابستگان حاکمیت و برنشتگان سفره رانت و غارت از امکان دسترسی به واکسن کرونا برخوردارند، گروه های مختلف مزد و مستمری بگیران و کسانی که حتی از داشتن درآمدی محروم هستند، از قربانیان اصلی معادله نان در ازای جان در شرایط کشتار کرونایی و واکسن پولی وارداتی بخش خصوصی هستند.

اگر چه آگاهی به این فصل مشترک های مطالباتی میان میلیون ها حقوق و مستمری بگیر کشور هنوز از سطح خودسامان یابی و حضور مستقل گسترده در جنبش مطالباتی فاصله دارد، اما در عوض شاهدیم که نیروهای آگاه در جنبش اکثریت عظیم کار، سلامت و آموزش به شکل روزافزونی اهمیت اتحاد سراسری بخش های مختلف نیروی کار کشور بر پایه این فصل مشترک ها را دریافته و آرایش مبارزاتی متناسب با آن را پیگیری می کنند.

همین جهت گیری نیروهای آگاه و همین پیگیری آنان در کنار تحمل ناپذیرتر شدن شرایط زندگی، ناگزیری دست زدن به اعتراض در میان بخش های مختلف مزد، حقوق و مستمری بگیران برای جلوگیری از

با زدن ماسک و رعایت فاصله اجتماعی

گرمای اول ماهی، روز بهین است

تجمع

بازنشستگان و زحمتکشان

شنبه ۱۱ اردیبهشت ساعت ۱۰:۳۰ صبح

تهران: روبه روی وزارت کار

شهرستان های نزدیک به تهران، اولویت به شرکت در تهران

سایر شهرستان ها: مقابل اداره کل تامین اجتماعی

۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر خجسته باد



دریافت می‌کند! با این حال با هر صدای حق‌طلبانه‌ای به عنوان نیروی علیه امنیت ملی برخورد می‌شود و دستگاه امنیتی-قضائی زندان‌ها را مملو از فعالان ارزشمند جنبش‌های کارگری و معلمان و زنان و محیط زیست... کرده است.

واضح است که حاکمیت کمر به نابودی طبقه کارگر بسته و تمام برنامه‌های اقتصادی را بر پایه ارزان سازی نیروی کار و غارت سرمایه‌ها تنظیم کرده است.

در چنین شرایطی برخی از مزدبگیران به خاطر ترس از بیکاری به حقوقی ناچیز تن داده‌اند و کارگران به دلیل فقدان تشکل‌های مستقل قادر نیستند برای چیزی فراتر از خط فقر مبارزه کنند.

از طرفی دیگر، شدت ناکارآمدی در مدیریت کشور به حدی است که با وجود توزیع واکسن در دنیا، تمام تریبون‌های حکومتی از ستاد کرونا و صداوسیما گرفته تا هیئت دولت و نهادهای قدرت با وقاحت تمام شیوع این ویروس را به گردن مردم می‌اندازند و از بی‌لیاقتی خود در زمینه درمان و معیشت شانه خالی می‌کنند.

کشتار گسترده مردم بر اثر کرونا را سپر بلای بی‌تدبیری و خیانت خود کرده‌اند تا توده‌های مردم به جای حق‌خواهی و سازماندهی اعتراضات، در فلاکت روزمره گرفتار شوند؛ ولی برای خانواده‌های سرداران و روحانیون و آقازاده‌ها و مزدورانشان واکسن و انواع امکانات فراهم می‌شود و همزمان واکسیناسیون رایگان و عمومی مردم که وظیفه قانونی دولت است و هزینه‌ای برابر با قطره‌ای از دریای اختلاس‌ها و دزدی‌های مسئولان دارد را به بخش خصوصی فاسد واگذار می‌کنند!

جغرافیای ما را کرونا سیاه نکرده است چون سیه روزی مردم کشورمان به دست همین آقایان و شبکه‌های مافیایی و نظامی‌شان رقم خورده است در صورتی که بحران‌هایی مثل تحریم و کرونا برای طبقه کوچک سرمایه‌داران به فرصتی طلایی و نعمتی بی‌پایان تبدیل شده است.

هر ریالی که به قیمت نان و ارز و سوخت اضافه می‌شود، سود بانکی مالکان و شاخص بورس دلالتان نیز چندین پله بالاتر می‌رود ولی از میان ما ده‌ها نفر به جمعیت گرسنگان و بی‌خانمان‌ها اضافه می‌گردد.

چه باید کرد؟

مجموع این موارد نشان می‌دهد که جامعه ما نیاز به دگرگونی‌های گسترده و زیربنایی دارد و طبقه کارگر تنها نیروی است که در صورت متشکل شدن، توان مقاومت در برابر هر شکلی از نظام استثمار و استبداد را خواهد داشت.

اتحاد طبقاتی ما و متحدانمان می‌تواند پیام آور جامعه‌ای عادلانه و آزاد باشد و این کشتی طوفان زده را به ساحل بنشانند.

برای اینکه قدمی در راه حصول مطالبات مشترکمان برداریم نیازمندیم تا تشکیلات کارگری را در همبستگی با هم برپا کنیم و دستاوردهای عظیم جنبش کارگری جهان را نقطه آغاز قرار دهیم.

بیانیه کارگران گروه ملی صنعتی فولاد بمناسبت اول می روز جهانی کارگر

به استقبال روز جهانی کارگر می‌رویم.

روز یازدهم اردیبهشت برابر با یک می که از زمان اعتصاب سراسری کارگران آمریکا برای تصویب هشت ساعت کار روزانه نامگذاری شده و یادآور تمام دستاوردهائی است که با مبارزات کارگری در سطح جهان به بار نشسته است.

به همین جهت در وهله اول این روز را به طبقه جهانی کارگر از زحمتکشان فرانسه تا مزدبگیران چین، به اتحادیه‌های مستقل کارگری از برزیل تا مصر و از صدها میلیون اعتصاب کننده در هند گرفته تا کارگران همیشه مبارز ایران در هفت‌تپه و هپکو و آذرباب و... تبریک می‌گوئیم.

همچنین به مناسبت این روز، یاد کشته‌شدگان قیام‌های کارگری از گُموناردهای پاریس تا انقلابیون سن پترزبورگ، از شورشیان شیکاگو تا اعتصابیون نساجی و نفت و راه آهن را گرامی می‌داریم و به پاس مقاومت جانانه کارگران در معادن سن‌خوزه و ژوهانسبورگ و شلاق‌هایی که بر کرده همکاران آق‌دره و پارس خودرو و شرکت واحد نقش بسته، روز جهانی کارگر را نماد مبارزات طبقه خود می‌دانیم.

کارگران، هم سرنوشتان و مبارزان آزادی و برابری

هر روز خبرهای تلخی از بیماری شهروندان، بیکاری جوانان، سرکوب معترضان، خودکشی نوجوانان و... می‌شنویم و از دیدن فقر، استثمار، گرانی، کودکان کار و زباله‌گرد و بازمانده از تحصیل، حاشیه‌نشینان و معتادان و گدایان، نزاع‌های مذهبی و قومی و از دیدن این همه رنجی که به مردم تحمیل شده به درد می‌آییم. تجربه و مشاهده این موقعیت ما را به این نتیجه می‌رساند که عامل اصلی و هدایت کننده وضع موجود چیزی نیست جز سیستم حاکم که غرق در ظلم و فساد و جنایت گشته و جامعه را به ورطه نابودی کشانده است.

وقتی دولت سرمایه‌داری در ایران سال جدید را با اخراج‌های گسترده در مراکز کارگری و خدماتی آغاز می‌کند و با دستبند و گاز اشک آور به مصاف بازنشستگان می‌رود، این هشدار است به تمام کارگران و کارمندان مبنی بر اینکه اکنون زمان بیداری و مطالبه‌گری است.

هر نفر که از صفوف ما ضربه بخورد، ترکش آن به زندگی همه ما خواهد رسید و هر حکم به اخراج از سوی کارفرما، بدون شک چماقی است بر سر تمامیت جنبش کارگری.

نظام سرمایه‌داری در ایران، اهداف شوم و ضدانسانی خود را از طریق قراردادهای موقت و بیکارسازی دنبال می‌کند و در برابر وام‌ها و فیش‌های نجومی زن‌های خوب که آنان را برای رفاه بیشتر راهی پیشرفته‌ترین کشورها کرده است، به طور میانگین هر کارگر ایرانی برای یک ماه کار، دستمزدی معادل تنها دو روز کارگر ساده اروپایی

بیانیه کارگران غیر رسمی نفت در گرامیداشت روز جهانی کارگر

بیانیه کارگران گروه ملی صنعتی فولاد بمناسبت اول می روز جهانی کارگر ...

ما کارگران غیر رسمی نفت روز جهانی کارگر را به همگان شادباش میگوییم. ما قبلا اعلام کرده بودیم که بدلیل عدم اجرایی شدن وعده های داده شده، راهی جز اعتراض گسترده در مقابل ما قرار ندارد. روز جهانی کارگر یک روز اعتراض سراسری است و بهترین فرصت است که با صدایی بلند تر و همصدا با هم طبقه ای هایمان خواستهایمان را اعلام کنیم.

ما برده نیستیم و اجازه نمیدهیم که از بالای سر ما زندگی و معیشت مان رقم زده شود. آلترناتیو ما همانطور که کارگران هفت تپه اعلام کرده اند، اداره شورایی است.

در عین حال ما به کل این بساط تبعیض، نابرابری، اختلاس ها و دزدی ها و استثمار بدون حد و مرز حاکم بر جامعه اعتراض داریم.

ما جامعه ای میخواهیم که در آن شکاف طبقاتی نباشد. استثمار نباشد. جامعه ای که در آن رفاه و عدالت و شادی و برابری حاکم باشد.

ما همچنین بر خواستهای فوری همین امروزمان تاکید کرده و بار دیگر اعلام میکنیم که خط فقر را قبول نمیکنیم و مزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد. ما برده نیستیم و قوانین ویژه اقتصادی باید لغو شوند دست پیمانکاران باید از سر ما کارگران کوتاه شود.

ما خواستار آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی هستیم.

در یک کلام ما همبستگی خود را با بیانیه ها و قطعنامه های اول مه که همچون هر سال انتشار می یابد اعلام میکنیم.

از همین رو علاوه بر تاکیداتی که داشتیم بر خواستهای سراسری دیگر چون برابری زن و مرد در تمام عرصه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و لغو هرگونه تبعیض جنسیتی علیه زن با خواست، رفاه و شادی برای همه کودکان لغو کار کودک، حق تشکل، تجمع، آزادی بیان و وسیعترین آزادی ها، آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، پایان دادن به سودجویی های سرمایه داران و تخریب محیط زیست، پایان دادن به اختلاس ها و دزدها و برچیده شدن حقوقهای نجومی تاکید میکنیم.

اول ماه مه روز اتحاد مبارزاتی ما ۹۹ درصدی های جامعه برای رهایی از توحش و بربریت سرمایه داری و برای داشتن جامعه ای شایسته انسان است. با برافراشتن پرچم اول مه این روز همبستگی جهانی کارگری را گرامی میداریم.

کارگران غیر رسمی نفت
۳۱ فروردین ماه ۱۴۰۰



برای اینکه قدمی در راه حصول مطالبات مشترکمان برداریم نیازمندیم تا تشکیلات کارگری را در همبستگی با هم برپا کنیم و دستاوردهای عظیم جنبش کارگری جهان را نقطه آغاز قرار دهیم



در طول این تاریخ پرغرور برای مطالباتی نظیر کاهش ساعات کاری یا بیمه و حقوق شناخته شده ای مثل حق تشکل یا حق برگزاری مجمع عمومی، خون های زیادی ریخته شده و اجازه نمی دهیم که این دستاوردها به فراموشی سپرده شوند.

این تاریخ ثابت کرده است تنها نیرویی که میتواند پرچم دار عدالت اجتماعی در جامعه باشد، طبقه کارگر متحدی است که کمیته ها و شوراهای سرتاسری اش به همین منظور قد علم می کنند.

ما کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران (اهواز) با این چشم انداز علیه ظلم و بیداد می جنگیم و برای سقف مطالبات کارگری اعم از مسکن و رفاه همگانی، بیمه بیکاری و درمانی مکفی، اعتراضات و اجتماعات آزاد، آموزش رایگان و امنیت شغلی هم پیمان می شویم و در کوره های ذوب آهن بر مشت های فولادین خود حک می کنیم تا در مسیر لغو استثمار انسان از انسان دست از سازماندهی و مبارزه طبقاتی بر نداریم.

ما کارگران آهنیم؛ ریشه ظلم رو می کنیم

روز جهانی کارگر گرامی باد
سی و یک فروردین هزار و چهارصد



قطعهنامه تشکل های مستقل کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، زنان و مراکز کارگری

به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر - سال ۱۴۰۰

۱- افزایش فوری حداقل حقوق کارگران، معلمان و دیگر مزدبگیران شاغل و بازنشسته به بالای ۱۲ میلیون تومان در ماه و پرداخت بیمه بیکاری به کارگران و جوانان آماده به کار به میزان حداقل مزد، دستمزد کارگران و دیگر مزدبگیران زحمتکش باید توسط خود آنان تعیین و نهاد دولتی- کارفرمایی "شورای عالی کار" باید منحل گردد.

۲- واکسیناسیون کرونا باید فوراً و به صورت رایگان و همگانی انجام گیرد. مراکز کاری از جمله کارخانه ها و کارگاه ها، ادارات و سایر محیط ها در دوره های افزایش شیوع بیماری تعطیل شده و حقوق این ایام و بیمه بیکاری به تمام کارگران و کارمندان پرداخت گردد. همچنین تمامی زندانیان می بایست تا پایان دوران بحران کرونا یا آزاد گردند و یا به مرخصی فرستاده شوند.

۳- پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات سیاسی، صنفی و مدنی، لغو مجازات اعدام و شلاق، لغو کلیه احکام صادره علیه فعالان کارگری، معلمان و دیگر جنبش های آزادی خواه و برابری طلب و آزادی بی قید و شرط همه کارگران، معلمان و فعالان سیاسی و اجتماعی در بند.

۴- آزادی بی قید و شرط ایجاد تشکل های مستقل، اعتصاب، اعتراض، راهپیمایی، تجمع، اندیشه و بیان، احزاب و مطبوعات.

۵- پرداخت فوری مطالبات معوق کارگران، بازنشستگان، معلمان و کارمندان بخش خصوصی و دولتی همراه با خسارت دیر کرد و تصویب قانونی برای جرم انگاری عدم پرداخت حقوق و مزایا.

۶- تامین امنیت شغلی و توقف اخراج سازی ها، پایان دادن به هر نوع استخدام غیر مستقیم و غیر رسمی، برچیده شدن قراردادهای موقت و شرکت های تامین نیروی انسانی و پیمانکاری، لغو قوانین مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی و عدم افزایش مبلغ بیمه کارگران ساختمانی.

۷- قطع دست دولت از صندوق های بازنشستگی، سپردن اختیار صندوق سازمان تامین اجتماعی و دیگر صندوق های بازنشستگی به هیات امنایی از نماینده های منتخب اعضا، محاکمه غارتگران صندوق های بازنشستگی و جبران خسارت های وارده به اعضا، الغای فروش سهام شرکت های تابعه تامین اجتماعی (شستا).

۸- غارت و چپاول منابع عمومی و تخریب محیط زیست توسط باند های مافیایی وابسته به مراکز قدرت باید فوراً متوقف شود. به کلیه طرح های ضد محیط زیستی از جمله تخریب جنگل ها، کوه خواری، تجاوز به حریم دریا توسط ارگان های نظامی و دولتی و هرگونه طرح غیر کارشناسی انتقال آب به فلات مرکزی که به بهانه تامین آب شرب اما برای تامین آب مصرفی مورد نیاز کارخانجات فولادی متعلق به نهادهای قدرت و مافیای فولاد است باید فوراً پایان داده شود.

امسال ما کارگران و معلمان و بازنشستگان و همه حقوق بگیران زحمتکش در حالی به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر، کیفر خواست خود را در برابر ستمگران قرار میدهمیم که مرگ و وحشت ناشی از ویروس کرونا و مصائب بی شمار و لاینحل اقتصادی و معیشتی و نبود کوچکترین روزنه ای برای بهبود شرایط موجود و بی تفاوتی حکومتگران در برابر این وضعیت جهانی، چنان سایه خود را بر بالای سر هست و نیست میلیون ها انسان در سراسر کشور گسترانیده است که برای ما کارگران و معلمان و بازنشستگان و دیگر توده های زحمتکش و رنج دیده مردم ایران چاره ای جز در هم شکستن این وضعیت به نیروی متحد و سراسری اعتراضات مان باقی نگذاشته است.

در این بین آن چیزی که ما شاهد و ناظر آن هستیم نه تنها بی تفاوتی حکومتگران در برابر شرایط موجود، بلکه تلاش مستبانه آنان برای حفظ و بقایشان بر سریر قدرت و رقابت بر سر آن، و بند و بست با قدرتهای بزرگ جهانی و رقیب، به هر قیمتی است.

در یک کلام، آن چیزی که امروز بر ما مردم ایران و پس از گذشت نزدیک به ۴۳ سال پس از انقلاب ۵۷ تحمیل شده است چیزی جز خیانت و تبدیل جامعه ای بزرگ با دارا بودن خیره کننده ترین ثروت های زیرزمینی و منابع انسانی به زمینی سوخته از سوی اقلیتی ستمگر نیست.

به همین دلیل هم است که برای ما، اول ماه مه روز جهانی کارگر و روز معلم و دیگر روزهای تاریخی دیگر نمیتواند صرفاً گرامیداشت چنین ایام ستودنی و یا اعلام کیفرخواست مان در برابر ستمگران باشد.

ما برده نیستیم و تن به تداوم این وضعیت نخواهیم داد.

حکومتگرانی که از طریق سرکوب و ساز و کارهای حاکمیتی بر بالای سر مردم به غارت و چپاول ثروت های اجتماعی و استثمار گسترده کارگران و حقوق بگیران بر بستر مناسبات کار مزدی مشغول هستند باید بدانند که نیروی متحد کارگران و دیگر مزدبگیران زحمتکش در مقابل شرایط موجود با قدرت خواهد ایستاد.

از اینرو، ما کارگران و تشکلهای صنفی و مدنی امضا کننده این قطعهنامه با هشدار به حکومتگران برای پایان دادن به شرایط موجود که بطور غیر قابل انکاری در تمامی ارکان زندگی اقتصادی و سیاسی اجتماعی کشور به کلافی سر در گم و بن بست لایزال شده و جامعه ای هشتاد میلیونی را در فرابند فروپاشی و اضمحلال قرار داده است ضمن تاکید بر سازماندهی عاجلانه اعتراضات سراسری و متحدانه، خواسته های حداقلی خود را برای شکل دهی به جامعه ای نوین و مبتنی بر تضمین پایه ای ترین حقوق انسانی به شرح زیر اعلام میداریم:

قطعنامه شکل های مستقل کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، زنان و مراکز کارگری به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر سال ۱۴۰۰...

۹- ممنوعیت کار کودکان و فراهم کردن امکانات زندگی و تحصیل رایگان با بالاترین استانداردهای آموزشی برای همه آنان فارغ از تعلق خانوادگی، جنسیت، قومیت و مذهب.

۱۰- استخدامهای غیر رسمی و پیمانی از قبیل حق التدریس در آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور باید ممنوع و به استخدام رسمی تبدیل گردد، دانشگاهها و مدارس خصوصی و غیرانتفاعی برچیده شوند و آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور مطابق با بالاترین استانداردهای جهانی تجهیز و سازماندهی گردند و تحصیل تا بالاترین مدارج آن رایگان باشد.

۱۱- قانون مشاغل سخت و زیان آور باید پرستاران را نیز در بر بگیرد و تمامی محیط های کار با بالاترین استانداردهای ایمنی تجهیز گردند.

۱۲- برچیده شدن حجاب اجباری و تمامی قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان، برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی.

۱۳- به رسمیت شناخته شدن حق شهروندی برای مهاجرین افغانستانی و دیگر مهاجران و منع هرگونه اعمال تبعیض آمیز علیه آنان.

۱۴- اول ماه مه روز جهانی کارگر باید تعطیل رسمی اعلام و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی شود.

امضا کنندگان به ترتیب حروف الفبا:

اتحادیه آزاد کارگران ایران - انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه- انجمن صنفی معلمان کردستان - مریوان- تشکل مستقل دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان- سندیکای نقاشان استان البرز - شورای کارگری بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی (بستا)- کارگران غیر رسمی نفت-کارگران مستقل گروه ملی صنعتی فولاد ایران (اهواز) - کانون انجمن های صنفی کارگران ساختمانی استان کردستان- کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز- کانون صنفی فرهنگیان گیلان- کانون مدافعان حقوق کارگر- ندای زنان ایران.

در اول مه

علیه سرمایه داری پانزیم!

ما کارگران هر چه بیشتر کار میکنیم، سرمایه قدرتمندتر میشود! هر چه سرمایه بیشتر قدرتمند میشود،

زنجیر اسارت طبقه ما محکم تر میشود! در حالی که میلیون ها کارگر بیکار و زندگی شان نابود میشود،

سرمایه داران از صدها میلیون دلار حمایت از جیب ما کارگران بهره مند میشوند! کارنامه سرمایه داری مملو از جنایت علیه زندگی و عوطف ما کارگران است

سرمایه داری با تشدید فشار کار و کاهش دستمزدها، بایکار سازی و ایجاد رقابت در صفوف ما، با گسترش کار قراردادی و افزایش ساعات کار،

با تحمیل فقر مستمر و باموعظه توجیه این اوضاع، هستی ما کارگران را در چهار گوشه جهان گر و گرفته است!

کارگران! این نظام شایسته ما و بشر امروز نیست! این نظام بدون جنایت و فقر و تبعیض و نابرابری نمیتواند سر پا بماند!

رهائی ما کارگران در گرو انقلاب علیه سلطه سیاسی و اقتصادی سرمایه است! در اول مه در صفوف بهم فشرده،

با پرچمهای سرخ و عزم برپائی حکومت کارگری بمیدان بیانیم! در اول مه باید خشت خشت کاخهای قدرت بورژوازی را بلرزانیم!

در اول مه باید فریاد ز نیم، نابود باد سرمایه داری! یک دنیای بهتر باید ساخت! جهانی آزاد و برابر و مرفه، یک جامعه آزاد کمونیستی!



زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت

مارس ۲۰۲۱

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت

فرارسیدن روز جهانی کارگر

مطالبه‌ی افزایش دستمزد به اصلی‌ترین محور تلاش و مبارزه طبقه کارگر ایران و دیگر بخش‌های مزدبگیران جامعه بدل شده است.

کل جامعه هشتاد میلیونی ایران به شکلی فاحش و عیان در ورطه‌ی فلاکت عمومی افتاده است.

به غیر از اقلیتی چپاولگر و فاسد و حامیان حکومتگر آنان، هیچ بخشی از جامعه نیست که به وضع موجود راضی باشد و تداوم بنیان‌های اقتصادی و معیشتی خود و خانواده‌اش را در معرض سقوط و فروپاشی نبیند.

معضلات و بدبختی‌های زندگی، هم بصورت فردی و هم به شکل اجتماعی، چنان فراوان و شدید گریبان تک تک آحاد جامعه را گرفته است که نمیشود تمامی آن را لیست کرد!

گرسنگی و عدم توانایی تأمین نیازهای اولیه خانواده‌ها بطور واقع عمومیت یافته است. بی‌مسکنی و بی‌خانمانی افراد آنقدر افزایش پیدا کرده که دیگر کسی را متعجب نمی‌کند. کوچک شدن هر روزه‌ی سفره‌ها و حذف بسیاری از اقلام خوراکی از سبد مایحتاج خانواده‌ها شایع‌ترین پدیده‌های جامعه شده است. بسیاری از افراد برای تأمین نیازهای اولیه خود به فروش اعضای بدن روی آورده‌اند. اینها، تنها موارد کوچکی از هزاران مورد معضل و مشکلات تحمیل شده به جامعه ماست. این همان واقعیاتی است که سردمداران حاکم طی بیش از چهار دهه برای جامعه ایران به ارمغان آورده‌اند.

اما جامعه ایران و جنبش عظیم مطالباتی مردم که جنبش اعتراضی طبقه کارگر و مزدبگیران در رأس و پرچمدار آن هستند، در مقابله با این همه بی‌حقوقی و تضاد و تبعیض، چه در محیط کار چه در کف خیابان‌ها، گاه پنهان و گاه آشکار، همواره در مبارزه و کشاکشی بی‌وقفه بوده‌اند.

در سالهای اخیر نقطه‌ی ثقل این مبارزات، حول مطالبه معیشت‌خواهی و اعاده کرامت انسانی به اوج خود رسیده است.

کارگران و دیگر مزدبگیران ایران در مقابل تعرض گسترده‌ی نهادهای حاکمیتی که از طریق تصویب دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر قصد تحمیل هر چه بیشتر فقر و فلاکت و گرسنگی به اکثریت جامعه را دارند، تماماً بپاخاسته و گسترده‌تر از هر دوره‌ای در سطح خیابانها میخروشدند.

حال که به پیشواز روز جهانی کارگر میرویم و در همسویی و همبستگی با هزاران کارگر صنایع نفت که اعلام کرده‌اند با خواست افزایش حداقل دستمزد کارگران به بالای ۱۲ میلیون تومان به استقبال روز جهانی کارگر میروند، پرچم خواست افزایش دستمزدها را در روز جهانی کارگر امسال برمی‌افرازیم.

طبقه کارگر ایران و تمامی مزدبگیران دیگر زیر بار تداوم تحمیل فقر و فلاکت نخواهند رفت و بساط تصویب و اجرای چنین دستمزدهای حقارت‌آمیزی را به زیر خواهند کشید.

در ماه‌های جاری هر هفته شاهد برگزاری تجمعات پرشور بازنشستگان، کارگران و معلمان بوده‌ایم که خواهان افزایش میزان حقوق و دستمزدها بوده‌اند.

موقعیت کنونی جنبش اعتراض به سطح نازل دستمزدها حاصل تلاش بیشتر از یک دهه مبارزه کارگران ایران است. اعتراضات بازنشستگان و مستمری‌بگیران، اعلام خواست افزایش دستمزد از سوی کارگران فولاد اهواز، اعتصاب کارگران پیمانی نفت در مرداد گذشته با خواست افزایش دستمزد، اعتصابات گسترده پتروشیمی‌ها در چند سال قبل با خواست افزایش دستمزد، سازماندهی طومار ۴۰ هزار نفره کارگران برای اعتراض به سطح نازل دستمزدها که از روز جهانی کارگر سال ۱۳۹۱ شروع شد و کارگران مراکز کارگری بیش از پنج استان کشور را شامل میشد، و متأخرتر طومار ۱۵ هزار نفره کارگران با خواست افزایش دستمزد که آن نیز در سال ۱۳۸۷ توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران سازماندهی شد.

امسال نیز کارگران ایران در اعتراض به تصویب حقارت‌آمیز حداقل دستمزد ۲ میلیون و ۶۵۵ هزار تومانی دولت، اعلام میداریم که میزان دستمزد را خود کارگران باید تعیین کنند و با تمام قوا خواست افزایش حداقل دستمزد به بالای ۱۲ میلیون تومان را به پیش خواهیم برد.

کارگران و همکاران در مراکز مختلف کاری و تولیدی در سراسر کشور؛

روز جهانی کارگر روز اتحاد و همبستگی جهانی کارگران است. به مناسبت این روز خواست دفاع از معیشت خود و خانواده‌هایمان را فریاد خواهیم زد و با اعلام اینکه دستمزد توسط خود کارگران باید تعیین شود، به هر طریق ممکن با مطالبه افزایش حداقل دستمزد به بالای ۱۲ میلیون تومان روز جهانی کارگر را گرامی خواهیم داشت.

اتحادیه آزاد کارگران ایران- هجدهم فروردین‌ماه یک‌هزار و چهارصد

کارگران در اعتراضات به مجمع

عمومی متکی شوید!

جنبش مجمع عمومی کارگری را

گسترش دهید!

زنده باد اول مه!

أفق طبقه کارگر ملی نیست، مذهبی نیست، جنسیتی نیست، استقلال طلب و خودمختاری طلب نیست، منفعت صنف خاصی را دنبال نمیکند، دین ویژه ای نمی آورد و در پی احیای سنت های عتیق و باستانی بشر نیست. کارگران میخواهند مبنای نظم مبتنی بر تبعیض و نابرابری، نظم مبتنی بر استثمار کار مزدی و مالکیت خصوصی را تغییر دهند. اول مه پرچم طبقه کارگر رادیکالی است که تغییر این جهان وارونه و نظم سرمایه داری را امر فوری خود میدانند. اگر جنبشها و طبقات دیگر آزادی قسمتی و حقوق ویژه ای را نهایت اهداف خود قرار داده اند، طبقه کارگر در عین طرح مطالبات بلاواسطه اش، که آنهم در چهارچوب رفاه همگانی قرار دارد، پرچم آزادی انسان از سلطه و انقیاد سیاسی و اقتصادی سرمایه داری و مناسبات بردگی مدرن مزدی را برافراشته است. این یعنی کارگر برای آزادی ناچار است همه را آزاد کند و در اسارت نگهداشتن بخشی از جامعه منفعتی ندارد. این یعنی طبقه کارگر آزاد نمیشود مگر اینکه کل جامعه را آزاد کند.

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

مارس ۲۰۲۱

www.hekmatist.org

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی کمونیست

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید

سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل

میشود!

منصور حکمت

زنده باد سوسیالیسم!